

توقیف کرد یا نکرد بلی کرد بر ضد حکومت ملی
بر ضد قانون اساسی که در نظر ما مقدس است و
ممکنست در نظر دیگران مقدس نباشد اقدام کرد یا
نکرد بلی کرد سید ضیاء بر ضد استقلال مملکت
قیام کرد یا نه بلی کرد پس اشخاصی را که ما میخواهیم
از نمایندگی محروم کنیم برای این عمل است نه
بواسطه حمایت از کابینه سید ضیاء یا کابینه غیر سید ضیاء
مطلب دیگر شما راجع باین بود که در آلمان و کلا
مورد تنقید بودند بلی در همین طهران ما شنیدیم و
هنوز هم تنقیداتی بر ضد مجلس می شنویم و بقیه السیف
حرفها هنوز هم بگوش ما می خورد ولی فراموش نکنید
که ما غافل از این مطلب نیستیم که تهیه کردن زمینه
کودتا و تهیه کردن زمینه خلاف قانون و تهمت
کاستن حیثیت مخالفین آن خلاف قانون و تهمت
بآنهاست سید ضیاء و حکومت انقلابی قبل از قانون
و کلا در انتظار تعزیر کردند بد گفتند و نسبت به
آنها بد نوشتند و توهین کردند و یک زمینه گل آلود
پیر هرج و مرجی را تهیه کردند تا بمقصد نائل شوند
ما میدانیم آن اشخاصی که میخواهند کودتا بکنند
از مدتی قبل در صدد بودند که این زمینه را تأسیس
نمایند حکومت های انقلابی ایجاد کردند حکومت های
مسامحه کار را سر کار نگاه میداشتند بوکیل مجلس
شورایی بد میگفتند تهمت میزدند جملات منتشر
میکردند افکار غیر خواهان را مشوب و آلوده بفرض
می کردند برای چه برای اینکه آب را گل آلود
کرده و ماهی را خودشان بگیرند بله ما هم این را
میدانستیم و میدانیم و بنابراین کابینه سید ضیاء را مرادف
با حکومت ملی نمیدانیم پس وقتی که ما این مطلب
را معزز کردیم و وظیفه مجلس را اینطور فرار دادیم که
هر کس بر ضد حکومت ملی و اساس حکومت قیام بکند باید
مورد تنفر مجلس شورای ملی واقع شود آنوقت تکلیف
این است که باید تعلیق کرد که آیا سر کار در
اقدام بر ضد حکومت ملی تا چه اندازه مشارکت
کرده اند و در هر صورت مشارکت جناب عالی در اقدام
بر ضد حکومت ملی بیش از آن قطع زدن قلمی
است که آقای مدرس فرمودند حال اگر در همان
وقتی که با یک حکومتی که او بر ضد اساس حکومت
ملی قیام و اقدام کرد مشارکت کردید ضمناً یک
کارهای خوبی هم کرده اند البته مورد تحسین
هستید شما یک آدمی هستید قیام کننده بر ضد حکومت
ملی و ملت خودتان منتهی دارای قلب رفیق و
احساسات خوب میباشد که پرسش از مرزها
مینمودید و توجهی نمیکردید و از اینکه مرزها را
ازیت نمیکردید شما را تقدیس میکنم اما در باب
اصلاحات مالبه فرمودید من که اینجا نبودم و نمیدانم
چه اصلاحاتی کرده اند ولی این هشت کرور که از
مالیه مملکت در زمان سید ضیاء تقریباً شد راجع
باصلاحات جناب عالی بود یا خیر؟ آیا این حوالجات
که در وجه حامل پرداخته میشد در چه زمانی بود
در زمان کفالت جناب عالی بود یا نه؟ آیا مصارف
مسافرت موهوم که یکی از رهبران سید ضیاء الدین
را برای خراسان که بعقیده من باید فعلاً از او مسترد
شود باید جزء اصلاحات مالبه شمرده از عطف شرط کارهای
مالیه ایران این مسائل را بعقیده من باید تفکیک

کرد من هم معتقد هستم بر سید کی ولی نه در اینجا
باقیاء نمایندگی جناب عالی ابتدا جناب عالی بواسطه
اقدامات خودتان تشریف ببرید بیرون البته در ضمن
رسیدگی باعمال تمام همدست های سید ضیاء و ضربه
وارد کنندگان باستقلال مملکت ایران باعمال جناب عالی
هم رسیدگی میشود من عقیده دارم اگر شرکت شدید
شما در کودتای سید ضیاء معین شده باید غیر از
معرومیت از نمایندگی متحمل مجازاتهای دیگری
بشوید و اگر بفرمایید یک عده از و کلا تقاضای
کاری و مأموریتی کرده اند و حاضر برای مشارکت
در جنایت سید ضیاء بوده اند بعقیده من آنها هم
بد هستند و آنها هم در خیانت سید ضیاء الدین
شرکت کرده اند خدا شاهد است من نسبت بشما و
همچس غرضی ندارم ولی میگویم هر کس در زمان
سید ضیاء الدین قبول کار کرده و با او شرکت
است من منکر او هستم هر چه باشد و هر که
میخواهد باشد.

رئیس - آقای مدرس مخالفند. آقای محمد
هاشم میرزا مخالفند. آقای تهرانی.

آقای سید محمد قلی - راجع به شبهه میخواستم
توضیحات بدهم.

رئیس - وقتی مطلب ایشان تمام شد آنوقت.
آقای سید محمد قلی - میخواهم جواب
عریضه شان را بدهم.

رئیس - بفرمایید.

آقای سید محمد قلی - اولاً در لایحه
اعتراضیه که خودشان قرائت کرده بودند اشعار
داشته بودند که ما باید بدانیم حکومت سید ضیاء
حکومت ملی بوده یا نه و تقریباً مقصودشان این
بود که در ایران حکومت ملی نبوده تا اینکه کسی
بر ضد آن اقدام کرده باشد متأسفانه اینجا اشتباه در
معنی حکومت ملی شده یعنی در مفهوم و مصداقش
در مملکت مشروطه سه قومی که ایجاد شده قومی
فوه فضاییه و قوه مجریه مجموع آنها یک قانون
اساسی که تکالیف و وظائف آنها را معین میکند
عبارت از حکومت ملی است یکدمه و زرائع می آیند
اسم آنها بتهنای حکومت ملی نیست آنها یک هیئت
دولتی هستند که اگر چنانچه شرایط اصول مشروطیت
در انتخاب آنها موجود بود آنها را میشود گفت
مجری حکومت هستند و اگر چنانچه نبود هیچ پس
حکومت ملی معنی غیر از هیئت دولت است که زید
و عمرو باشد باز در قسمت دیگر میگویند کارورین
تعمیل شد اینطور اظهار کردند که تقاضای کار از
من کردند و بر من تعمیل شد که معاونت آنجا را
قبول کنم بنده میگویم صرف تعمیل دلیل نمیشود
که انسان خود را وادار با اقدامات غیر قانونی بکند
زیرا مطابق اطلاعاتیکه بنده داشتم بعضی از آقایان
هم دارند بعضی از اشخاصی که در تهران هستند
تکلیف کار شد و یک تهدیداتی نسبت بآنها شد که
چنین و چنان خواهیم کرده مالک آنها قبول نکردند
و ترتیب اثری هم بر آنها داده نشد ثانیاً میگویند
فشار معیشت بنده را وادار کرد که وارد بشوم اینجا
فشار معیشت مرا وادار کرد در واقع تصدیق میکنم
که شرکت در عملیات او داشتند و الا فشار معیشت
دلیل نمیشود مثل اینست یک نفر برود خلاف قانونی
بکند بعد بار بگویند چرا کردی بگویند فشار معیشت

سبب شد این دلیل تقصیر آن عباراتی است که در
آخر لایحه میگویند که من در آنجا رفتم یا حقوق
کتر در صورتیکه سابقاً در اداره دیگر بودم حقوق
زیادتر بود این بود دو عبارت با هم متناقض فشار
معیشت با حقوق کمتر مفهومی ندارد پس فشار معیشت
در اینجا معنی نداشته و در اداره سابق که بوده اند
حقوقشان زیادتر بوده و اما در مسائلی که شرکت
ایشانرا مدلل میدارد و از جمله مطالبی که کاملاً
اثبات میکند که ایشان معتقد بوده اند شرکت او بوده اند
این است که متأسفانه خودشان در آن لایحه اینجمله
را اظهار کرده اند که یکی از ادله که سید ضیاء را بر است
بکیا به خودش معرفی کرد این بود که من طرف
اعتماد او بوده ام آقایان از همه تصدیق میفرمایند
چه صورت ممکن است آدم طرف اعتماد باشد و
البته در صورتیکه کاملاً آن دو نفر رفیق باشند و
از مرایای اخلاقی یکدیگر مخبر بوده و در موارد
عبدیه امتحانات داده باشند تا بشوند طرف اعتماد
یکدیگر همین طرف اعتماد بودن جناب عالی نسبت
بسید ضیاء الدین و شما را منتخب کردن متأسفانه
دلیل است بر اینکه شما در یک قضایایی با او
شریک بوده اید اعم از اینکه این مسئله باشد یا غیر
این و بالاخره باز از این قضایا خیلی دارد که بنده
محتاج نمیدانم تنقید بکنم اما در آن عریضه که
بمقام ریاست نوشته اند خوانده شد اعتراضاتی دارم
اولاً - گفته اند شعبه حق داشته است وارد
در این موضوع بشود یا نه تصور میکنم عریضی را
که در این زمینه عرض کرده ام شاید آقایان حق
بدهند که از اساس صلاحیت و جریان انتخابات هر دو
بخت بشود ثانیاً گفته اند خوب بوده شعبه از من
توضیح میخواست شعبه هیچگاه حاضر نیست مدعی
الیه حاضر کند و از او توضیح بخواهد بغیر
در یک امریکه اظهار من الشمس است شعبه باید
بجزئیاتیکه واقع شده مراجعه کند و او را تطبیق
با مواد قانون کند و اما مسئله کمیسیون نسبت
بکمیسیون شاید بنده هم معتقد باشم ولی در تقدیم
و تأخیر حرف دارم ایشان اشتباه کرده اند ایشان
کمیسیون خواسته اند که در آن کمیسیون تصدیق
بشود شرکت ایشان یا عدم شرکت ایشان این مسئله
باندازه واضح است که محتاج بکمیسیون نیست برای
اینکه اینوصف عنوانی ایشانرا عجلاناً معروم از حق
انتخاب می کند اما بنده عقیده دارم که کمیسیون
بشود تا در آنجا رسیدگی شود تا چه درجه ایشان
قیام و اقدام بر ضد حکومت ملی نموده اند شاید
درجه باشد که بعین اندازه اکتفا بشود شاید درجه
بالا تر باشد آنوقت باید حکم مجازات دیگری در
باره ایشان صادر شود بنا بر این باین ترتیب بنده با
کمیسیون همراه هستم و برای رفع هر گونه
سوء تفاهم عرض میکنم اینکه ایشان در لایحه خودشان
گفته اند پس هر کس در ادارت بوده با او شرکت
بوده اشتباه است ما با اعضای ادارات که مستخدم
بوده اند و سابقه داشته اند هیچ کاری نداریم فلان
محرر فلان اداره است یا ثابت است یا رئیس اداره
است یا مدیر اداره است مستخدم است هر حکومتی
که آمد مأمور است وظایف خودش را انجام بدهد
ما مقصودمان آن اشخاص است که شرکت کرده اند
در تهیه مقدمات کودتا و بعد هم شرکت کرده اند

در عملیات سید و ایشان هم هیچ موجب نداشت که
قبول بکنند فشار معیشت را میتوان گفت که باعث این
این امر شده نه چیزهای دیگر را

پس بنا بر این تکرار میکنم که تمام اشخاصیکه مستخدم
ادارات بوده اند تمام محفوظند و هیچکس نظرسوئی
بآنها ندارد قطعاً مقصود بنده و آقایان اشخاصی است
که با سید ضیاء بوده اند در زمان سید ضیاء مأموریت
های مهم پیدا کرده اند.

رئیس - مذاکرات کافی نیست؟ - گفته شد
کافی است.

سلطان محمد خان - آقایان کلاه برای
دفاع خود عرض میکنم.

رئیس - خیلی طول کشید مذاکرات کافی
نیست.

سلطان محمد خان - اگر آقایان مقصودی
ندارند فرصت دفاعی بمن بدهند کمیسیونی معین
فرمایند از آقای مشیرالدوله - آقای موتین الملک
آقای مستوفی الممالک و آقای حکیم الملک.

رئیس - اینطور بی اجازه نمیشود حرف زد
چون آقای سلطان محمد خان از نظامات مجلس بی
اطلاعند باید ایشان را مسبقاً بگویند که ترتیب اینست
که پیشنهادی که میشود بدو بخواهند بعد از اینکه
خوانده شد اگر لازم بتوضیح شد توضیح میخواهند
و پس از توضیح رأی میدهند شما پیشنهادی کردید
و توضیحات خود را هم اظهار نمودید بهر حال پیشنهادی
که آقای سلطان محمد خان داده اند راجع باین بود
که کمیسیونی معین بکنند بقرعه اگر مطالبی دارند
پروند در کمیسیون بگویند و عدم شرکت خودشان
را در حکومت سابق ثابت بکنند و اگر توضیحاتی
دارند بدهند باز هم راجع بکمیسیون حرفی دارید.

سلطان محمد خان - بلی حرف دارم.

رئیس - بفرمایید.

سلطان محمد خان - من معتقد هستم که
بر ضد حکومت ملی قیام و اقدام نکرده ام ممکن است
در این مجلس گوسهای شنوا نباشد ولی شما تماشاچیها
گوش دارید...

رئیس - شما حق ندارید با تماشاچیها حرف
بزنید رو کنید به آقایان و کلا کلیه تماشاچیها می
شنوند.

سلطان محمد خان - من بر علیه حکومت
ملی قیام و اقدام نکرده اگر اجازه بدهید ثابت می
کنم که دیگران بر علیه حکومت ملی اقدام و قیام
کرده اند بنده عرض میکنم که حق دفاع دارم یک
دفعه حق دفاع باید به بنده بدهید و یک هیئت را
معین کنید و با یک کمیسیون تشکیل داده بر حسب
فرقه مرکب از اشخاصیکه مشتق علیه جمهور هستند
از آقای مشیرالدوله - مستوفی الممالک و آقای حکیم
الملک معین بفرمایند در آنجا اگر مرا محکوم باعدام
میکند من خطاب دار را خواهم بوسید اما بدون
جهت نمیخواهم در اینجا کشته افراض شخصی واقع
شوم مطلبی نیست اگر آقایان معترض نیستند به بنده
این حق دفاع را بدهند.

مدرس - گمان میکنم که ما نمیخواهیم
آنها را که شرکت کرده اند با آن حکومت نسبت
به تماشای یک جوری نشود که دیگر این مملکت
تواند از آنها استفاده کند قدری که وظیفه مجلس

شورای ملی است این است که آنها را از مرکز
سیاست که پارلمان باشد دور کند وظیفه ما این است
و لکن بعضی صحبتها و بعضی مذاکرات کم کم منجر
میشود که خدای نخواسته چیزهایی پیش آید که
یک رنجش و ملالت هایی پیدا شود که بعد از این
اسباب امتناع از آنها بجهت کارهای دیگر هم نشود
یک مسئله خیلی صافی را کم کم میخواهند بجایی
بکشند که اسباب زحمت شود آقایان و کلاهی که
اینجا هستند میدانند و عقیده شان این است که این
سیاست مضربحال مملکت بوده است و تطبیق یک
موضوعی را کرده اند این نه اوقات تلخی لازم دارد
و نه رنجش اگر امروز در مجلس شورای ملی وجود
مراضع سیاست حوزه امروزه بدانند و وجود دیگری
ناقص باشد نه اسباب غرض میشود نه اسباب مرضی
شده حالا کمیسیون میخواهد نه آینه خواهش می
کنم از آقایان و سلطان محمد خان که با کمال خون سردی
صحبتایشان را داشته و بعد از این زیاد روی نکند
خواهند بنده زیاد تر از این تعقیب نکنند حالا اگر آقایان
هم که در اینجا هستند و نشان از آقا سید ضیاء تقاضای
کار کرده باشند آنها هم با سید ضیاء بی امانت عضویت در
اینجا شرکت دارند در اینکه آن اشخاص یک دولتی
و ملت را از میان برده اند حرفی نیست حالا زیادتی
بر رفیق دلیل بر خوبی مطلب نمیشود اگر تمام طهران
ما هم با شما شرکت کرده بودند ما از جانب تمام
ولایات دیگر و سایر بلاد ایران میگوئیم آنها هم بد
هستند عقیده سیاسی مثل یک عقیده دینی میباشد بعد
از آنکه یک عقیده سیاسی در یک جمعی پیدا شد
البته اجرا می کنند امروز اگر شما اکثریت
پیدا کرده بودید و پارلمانی تشکیل داده بودید البته
وظیفه تان این بود که ما را رد بکنید ما هم امروز
اتفاق داریم شما و امثال شما را که شرکت در این
امر داشتید رد میکنیم نه اوقات تلخی میخواهد نه
چیزی کمال دوستی هم در پیش است و همانطور که
سابق دوست بودیم حالا هم باشیم گمان میکنم
مذاکرات ختم شود زیرا چندان اهلی نه برای ایشان
شد نه بر ما مرتب میشود یک اختلاف سیاسی جهت
ندارد که آنقدر کارها را مشکل بکند

رئیس - باید رأی بگیریم به پیشنهادی که
آقای سلطان محمد خان داده اند

سلطان محمد خان - بنده عرض دارم

رئیس - در این موضوع اگر بخواهید زیاد
بر این حرف بزنید نتیجه ندارد شما یک پیشنهادی
داداید و تقاضای کرده اید آن تقاضا این است که
این امر مراجعه شود بیک کمیسیون عیوض شعبه
بیاناتی هم فرمودید آنچه که میخواهستید بگویند گفتید
و مقصودتان چه چیز است حالا در باب این پیشنهادی
که کرده اید باید رأی بگیریم

سردار معظم - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمایید.

سردار معظم - بنده قائل بکمیسیون هستم و
بنا بر این موافق با پیشنهاد ایشان هستم ولی یک شرط
بنده عقیده ام اینست که این کمیسیون که بعد متعقد
میشود صلاحیت رسیدگی در زمینه نمایندگی ایشان
را نخواهد داشت ولی در باب مطالب دیگر راجع
بایشان که تا چه درجه شرکت داشته اند بنده کاملاً
موافقم که کمیسیون معین شود و معلوم شود تا چه درجه
ایشان تقصیر دارند

رئیس - پیشنهادی که ایشان کرده اند این
است که اول کمیسیون تشکیل شود و اسنادی که
دارند ببرند بآن کمیسیون و آنجا ارائه دهند این
موقوف خواهد بود باینکه در باب راپورت نمایندگی
ایشان رأی تصمیم نایبکه راپورت این موضوع از
آن کمیسیون بر گردد ولی پیشنهادی که جناب عالی
می کنید اینطور نیست پیشنهاد شما این است که در
باب نمایندگی ایشان رأی بدهیم بعد تقاضای ایشان
را قبول کنیم (گفتند بلی صحیح است)

سردار معظم - بلی صحیح است

رئیس - (خطاب به آقای سلطان محمد خان)
کدام یک را قبول مینمایید

سلطان محمد خان - بنده قربان عرض میکنم
که ابتدای امر یک کمیسیون معین شود معلوم بکنند
که آیا من در اقدام بر ضد حکومت ملی شرکت
داشته ام یا نه

مدرس - شک ندارد.

رئیس - (خطاب به آقای سردار معظم) این
پیشنهاد غیر از پیشنهاد جناب عالی است

سردار معظم - بنده چون منکر هستم که
حق دفاع بکسی داده نشود عرض میکنم آقای سلطان
محمد خان مدعی هستند و میگویند هیچ شرکت در
ضدیت با حکومت ملی نداشته اند ولی ما
عقیده مان این است که ایشان شرکت داشته متنها ممکن
است درجه مشارکت ایشان خفیف باشد به عقیده بنده
موضوع نمایندگی ایشان عجلاناً باید رد شود ولی در
موضوع درجه شراکت ایشان کمیسیونی معین شود
بعد از اینکه معین شد آنوقت تکلیف مجازات های
دیگر ایشان معین خواهد شد علی الخصوص که مجلس
را مکلف می دانم که نسبت بوقایع گذشته باید
رسیدگی بکند و مرحله اول رسیدگی با وضاع گذشته
از همین جا شروع بشود یعنی یک هیئت مأمور شوند
متنها به بقرعه بلکه از همان آقایانی که سلطان
محمد خان تقاضا می کنند و واقعاً زمینه واقعه گذشته
و خرابی مملکت را روشن کنند و درجه شراکت یا عدم
شراکت ایشان را تعیین کنند

سلطان محمد خان - (خارج از محل
خود رو بنمایند گمان و رشت به هیئت رئیسه) این پیشنهاد
آقای سردار معظم در حکم این است که اول یک شخصی
را بکشند و قصاص بکنند بعد از آنکه مردم در عملیات
او رسیدگی کنند به بییند قاتل بوده یا نبوده بنده
عرض می کنم که اگر شما یقین دارید که بنده بر
ضد حکومت ملی قیام نموده ام در این کار شرکت
داشته ام.

رئیس - آقا اگر می خواهید آنجا حرف
بزنید رو با بنظر طرف بایستید یا تشریف بیاورید اینجا
در کرسی نطق رو بآن طرف نطق کنید

سلطان محمد خان - (بدون اجازه نهان)
من افتخاری بعضویت این مجلس ندارم ولی عرض
میکنم اگر شماها یقین دارید که من بر علیه حکومت
ملی قیام و اقدام نموده ام چه مضایقه دارید از اینکه
بن حق دفاع بدهید فرض می کنم یکی از و کلا
اقدام بقتل کرده باشد آیا باید شعبه رسیدگی باین
مسئله بکند یا یک محکمه باید رسیدگی بکند - اگر
یکی از و کلا را بگویند مرتکب سرقه شده است
آیا شعبه باید تحقیق بکند؟ اداره مربوطه

بایستی رسیدگی بکنند کدام یکی ؟ آیا شعبه حق دارد بگوید که من برضد حکومت ملی اقدام ننوده‌ام در صورتیکه شعبه یکدفعه از بنده توضیح نخواسته است

رئیس - آقای مدرس بفرمائید

مدرس - عرض بنده این است که . . .

سلطان محمد خان - بی اجازه نطق . . .

من یقین دارم آقایان حقایق را خوب فهمیده‌اند پیش از این حرف نمی‌زدم بیش از این هم دفاع نخواهم کرد

رئیس - (خطاب به آقای مدرس بفرمائید .

مدرس - عرضی که داشتم این است که این ترتیب را برای دیگر میکشاند مثل این است که آقای سلطان محمد خان تکیه‌شان را بجائی داده‌اند و به مجلس آمده‌اند

سلطان محمد خان - تکیه پروچدان پاک خود کردم

رئیس - خطاب بسطان محمد خان (خیلی

حرارت بخرج میدمید .

مدرس - بواسطه اینکه سلطان محمد خان

غیر از سلطان محمد خان شهادت پیش است که با هم دوست بودیم و جدا میگویم همانطور که سید ضیاء تکیه خودش را بجای دیگر داد و ملت ایران او را نابود ساخت شاهان مثل همان اگر تکیه‌تان را بجای دیگر کرده‌اید انشاءالله الرحمن این ملت و هدیت و کلاهی که می‌بینید که بنظر شما نمی‌آید انشاءالله شما را هم نیست و نابود خواهند نمود

رئیس - رای میگیریم پیشنهاد و تقاضائی که

کرده‌اند یعنی کمیسیون معین بشود و رسیدگی شود بمطالبی که ایشان میگویند .

مدرس - خارج از موضوع است کمیسیون برای

چه چیز ؟

رئیس - تقاضائی میکنید من باید رای بگیرم بپل جنابالی که نمی‌توانم عمل کنم (بعضی تهدید کردند)

رای میگیریم به تقاضائی که آقای سلطان محمد

خان کرده‌اند که کمیسویی معین شود بقرعه و رسیدگی بشود بمطالبی که ایشان حضوراً گفتند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد باید رای بگیریم به

رایورت شعبه طبع و توزیع شده است معذالک قرائت شود (بعضیون ذیل قرائت شد)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات نائین و مضافاتش رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورای ملی عرض مینماید که انتخابات نائین و مضافاتش موافق قانون بعمل آمده و اعتراضی هم از اول تابعال رسیدگی لذا شعبه دوم صحت انتخاب سلطان محمدخان نائینی را از حوزه انتخابیه نائین و مضافات آن تصدیق مینماید اما بطوریکه پوشیده نیست مشارالیه در کابینه سیاه معاون و در قیام و اقدام برضد حکومت ملی شریک بوده است اگر شرکت او قبل از انتخابش می بود موافق شرط هم قانون انتخابات از حق انتخاب

محروم میگردد ولی چون شرکت مشارالیه بعد از خاتمه انتخابش بوده لذا شعبه دوم رای قطعی داد و این موضوع منوط بتصمیم مجلس میداند.

رئیس - رای میگیریم بنماینده کی آقای سلطان محمد خان . . .

سلطان محمد خان - قربان حق دفاع

نمیدمید .

رئیس - آقا ما اینجا يك نظاماتی داریم که مجبوریم رعایت بکنیم اول که شما تشریف آوردید آنجا بیاناتی که فرمودید دفاع بود .

سلطان محمد خان - باز هم دفاع دارم .

رئیس - شما راجع بکمیسیون مطالبی داشتید اظهار فرمودید دیگر نمیشود صبر کرد تا دو ساعت بپرداز ظهر .

سلطان محمد خان - من عرض میکنم يك

کمیسیون معین کنید قبول نمی‌کنید و میخواهید مرا رد کنید در صورتیکه من مستحق این مسئله نیستم حالانکه قانون میخواهد بنده را بکشد بجایی خوب . . .

رئیس - گمان میکنم بقدری که ایشان باید

آزادی داده شود بیش از آن داده شد هر چه باید گفته شود گفته شد و راجع بدفاع خودشان مطالبی اظهار کردند راجع بکمیسیون هم اظهاراتی نمودند مطالب هم واضح است هر چه گفته شود باز مکرر است لهذا بنده مجبورم بر طبق رایورت رای بگیرم مگر اینکه آقایان بفرمایند بماند برای روز دیگر (بعضی از نمایندگان اظهار نمودند باید رای گرفته شود)

رئیس - رای میگیریم بنماینده کی ایشان

آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

سلطان محمد خان - (در حالیکه نزدیک

درب خروج ایستاده بودند اظهار فرمودند) همه وجدان کش (از مجلس خارج شده و رفتند)

بعضی از حضار بمجلس اوهین میکنند جسارت میکنند

رئیس - چند دقیقه تنفس است (در این موقع حضار برای تنفس از مجلس خارج شده و پس از ده دقیقه مجدداً بمجلس تشکیل گردید .)

رئیس - موضوع آقای مشیرمعلم مطرح مذاکره است آقای امین الشریعه مخالفید ؟ بفرمائید

امین الشریعه - چون در اینجا بواسطه مشارکت

داشتن بعضی باین موضوع مذاکرات عمیق بعمل آمده است و کاملاً در این موضوع فرمایشات کرده‌اند بنده مفصل عرض نمیکنم ولی در رایورت شعبه که مشتمل بر سه فراز است علی‌الاصول عرایضی میکنم فراز اولش تصدیق بصحت جریان انتخابات مشیرمعلم است فراز دوم تشخیص دادن این موضوع است که حائز شرط نهم است چون شعبه تشخیص داده است که این موضوع حائز شرط نهم است در این موضوع هم عرایض کردن را زیاد میدانم فراز سوم این بود آیا این تشخیص که ما داریم که برخلاف حکومت

قیام کرده‌است چون بعد از انتخاب بوده است حائز این شرط میشود پانه در این موضوع چون حل مسئله را نکرده‌اند موصول بنظر مجلس میشود اولاً بنده خیلی ممنون بودم که آقای مشیر معظم مثل سلطان محمدخان حاضر میشوند برای مدافعه و فرمایشاتشان را بیان میفرمودند بنده کاملاً جوابشان را میدادم و موضوع را در حضور خودشان مشخص میکردم اولاً در موضوع قیام برضد حکومت ملی در اینجا مذاکره شد که حکومت ملی را تمیز کرده‌اند بحکومت سیهدار با اینکه ما ها حکومت سیهدار را طریق وصول بحکومت سیدضیاءالدین میدانیم هیچ علاقه‌مند بصحت حکومت او نبودیم و برخلاف جریان حکومت ملی میدانستیم با وصف این عرض میکنم آقایان که در این موضوع اشتباه کرده‌اند و حکومت ملی را با حکومت شخصی و عدلیات شخصی تشبیه کرده‌اند حکومت ملی را ما باید بفهمیم چه چیز است معنای حکومت ملی مداخله افسراد ملت است در حقوق سلطنتی خود مستقیماً یا غیرمستقیماً این معنای حکومت ملی است حکومت ملی ایران را معرفی کرده‌اند و مشخص کرده‌اند بمداخله افراد ملت در حقوق سلطنتی خود و حقوق انتخاب و کلاهی و تأسیس پارلمان و نیز برای اساس عملیات پارلمان قوانینی را ایجاد و تأسیس و وضع کرده‌اند که آنرا ما بنام قوانین اساسی میشناسیم معنی است که این قانون ۱۰۸ ماده است و اینها قوانینی هستند که خیمه آزادی ملت ایران را نگاهبان و نگاهدار هستند همین قدر پس است برای حکومت سیاه سیدضیاء یا دولت مجهول تا معقول او که اغلب قوانینی را که راجع بود بحقوق جامعه ملت آنها را زیر پا گذاشت و لغو کرد اگر چه بسیاری از قوانین دیگر را لغو کرد ولی بمقیه بنده قوانین سیاسی که عرض کردم اغلب آنها يك پاره تکلیفاتی است که داخل در قانون اساسی شده است اساس قوانین سیاسی آن روحیه آزادی ملت و حاضر است اگر آقای رئیس اجازه بفرمایند عرض کنم) بیست اصل از مضمون قانون اساسی را سید ضیاء لغو کرد که غالب آن بیست اصل راجع بفصل حقوق ملت است و راجع بفصل حقوق جامعه است راجع بقوه مقننه راجع بقوه اجرائیه و راجع بقوه قضائیه که این سه اصل سه اصل آزادی هر دولت و ملت است این هرسه اصل را زیر پا برد پس اگر ما میگوئیم مخالف حکومت ملی اقدام شده است و کابینه او برخلاف حکومت ملی میدانیم از این حیث است نه از حیث شخصیات ۴ ماده یعنی ۴ اصل از اصول قانون اساسی اولیه را لغو کرده حضرات

رئیس - خارج از موضوع است .

امین الشریعه - بلی از فراز سوم که باید تشخیص بدیم که آیا این شرط نهم حائز مشیرمعلم میشود یا خیر بنده عرض میکنم که حائز میشود و عقیده آقایان هم همینطور است بملت اینکه فلسفه شرط نهم را باید ملاحظه کرد که از چه نقطه نظر این شرط جزو شرایطی شده است بنده هم عقیده دارم که دو نظر از برای این شرط

بیش نبوده است يك نظر سطحی بوده است و يك نظر عمقی اما يك نظر سطحی که در این شرط ملحوظ بوده است این است که اشخاصیکه خیانت میکنند بحکومت ملی من بعد خیانت نکنند و نظر معنی که عقیده بنده است و این طور مبهم این است که اشخاصیکه در مراحل عمرشان یکمرتبه ولو بیست سال قبل مرتکب امری برخلاف حکومت ملی شده‌اند اینها يك مالیخولیای خودسرانه و استبدادی در دماغ داشته‌اند سزاوار نیست يك چنین آدمی مادام‌العمر داخل در امر ملت بشود اینطور عقیده دارم پس این نظر معنی در مورد کسی که وکیل شده است اولی است اما نظر مجازاتی هم می‌آید بواسطه آنکه اگر در غیر وکیل این نظر مجازاتی ملحوظ نباشد در وکیل این نظر مجازاتی هم ملحوظ است بدو مرتبه برای اینکه کسیکه وکیل شد خلاف بدو حیثیت کرده است يك خلاف بحیثیت حکومت ملی ، يك خلاف بحیثیت نمایندگی کرده پس مجازات آنکه بحیثیت حکومت ملی خیانت کرده است محروم بودن از نمایندگی است و مجازات را قانون معین کرده ولی مجازات ثانی که بحیثیت نمایندگی مرتکب بوده‌است آنرا باید در نظر ثانی معین نمود پس علیه‌آقای مشیرمعلم راجعاً از شرط نهم میدانم و وکیل میدانم

رئیس - حالا باید رای بگیریم رای گرفته میشود بنماینده کی آقای مشیر معظم آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد تصویب نشد) رایورتی است راجع به آقای نصرت‌الدوله آقای حاج شیخ اسدالله‌احضار (برای قرائت رایورت) رایورت مزبور بمضمون ذیل قرائت شد .

شعبه ششم رسیدگی بدوسیه انتخابات کرمانشاهان نمود شرح انتخابات آنجا از قرار است که ذیلاً عرض میرسانم در تاریخ پنجشنبه نهم ربیع الاول ۱۳۳۷ بامر وزارت داخله حکومت کرمانشاهان مجلسی در دیوانخانه از آقایان علماء و تجار و اصناف و احزاب و سایر طبقات و رؤسای دوائر دولتی تشکیل بموجب ماده (۱۰) قانون انتخابات یا توافق نظر اهالی انجمن نظار را تشکیل دادند انجمن نظار مرکزی در تاریخ یکشنبه چهارم ربیع‌الاول اعلان انتخابات را منتشر که در تاریخ ۲۳ ربیع‌الاولی ۱۴ ربیع‌الثانی جهت توزیع تفرقه و ۵ روز جهت اخذ آراء معین نمودند و برای دادن تفرقه و اخذ آراء دو شعبه در شهر معین نموده و برای قضیات و بلوکات و ایالات باتفاق آراء ۴ شعبه به تفصیل ذیل معین کردند .

۱ - شعبه سقر و کلیائی و بلوک پیلور و دینور و کنبوله .

۲ - شعبه کنگاور و صحنه و توابع .

۳ - شعبه هرسین و توابع .

۴ - شعبه کرند - ذهاب - قصر شیرین - کلا و گوران و سنجایی و موافق مواد قانونی انتخابات

رای شرحی که در صورت مجلس ذکر است انجام داده‌اند و کلیه تعرفه که در شعبات توزیع شده عبارت است از ۲۲۴۴۰ و آراء مأخوذه ۲۰۹۷۰ بوده و دفتر شکایت از انتخابات سقر در موقع قرائت آراء شده یکی توسط آقای شیخ علی آخوند زاده و دیگری توسط مشهدی حسن بمهر عده از اهالی شهر رسیده که انجمن نظارت سقر و انجمن نظارت مرکزی اعتراضات آنها را وارد ندانسته و شرح آن در اعتراضاتی که توسط آقای آقا شیخ علی آخوند زاده بشعبه تسلیم شده است مندرج است و بموجب ماده ۴۵ قانون انتخابات انجمن نظار مرکزی پس از اتمام استخراج آراء و اعلان نمایندگان در هفته اول که برای رسیدن شکایات و اعتراضات جلسه داشته يك فتره شکایت در تحت ۱۹ ماده بانجمن رسیده بود که انجمن های جزء و انجمن مرکزی رسیدگی کرده آن اعتراضات را رد نموده و مفاد آنها را بهیچوجه موثر در جریان انتخابات ندانسته و تقریباً فاد آنها هم از قرار است که در اعتراضات بعد جواب ذکر خواهند شد آنچه در دوسیه ملاحظه شد موافق شرحی است که در فوق عرض رسیده و تلگرافی در این رسیدگی بدوسیه انتخابات شعبه شکایت سبم (تکرار شکایت ماده اول که با ذکر اسامی استعفا کنندگان است که عبارت از آقایان ابوالحسن خان و مستشارالتجار و آقا شیخ علی و شاهزاده اکرم‌الدوله است یعنی اعضای مستعفی دو شعبه انجمن نظارت که تفصیل آن در ماده اول ذکر شد نظر شعبه همان است که در جواب اعتراض ماده اول عرض شده است (مدلول شکایت چهارم) راجع به تبعیض در فرستادن انجمنهای نظارت جزو است از طرف انجمن مرکزی و بالتبعیه محروم شدن صحنه قصر شیرین گوران - کلهر سنجایی از مشارکت در انتخابات - مطابق ماده ۸ قانون انتخابات اساساً فرستادن شعبه جزو بسته بنظر انجمن مرکزی و تصویب حکومت است و انجمن نظارت مرکزی کرمانشاهان چهار انجمن جزو معین کرده - صحنه را جزو کنگاور - کلهر و گوران و سنجایی را جزو کرند مسبب داشته‌اند و از طرف انجمن های نظارت تمام اقدامات مقدماتی از قبیل نشر اعلان و تعیین موقع دادن تعرفه و اخذ آراء و غیره بعمل آمده است و عملاً اهالی حوزه‌های انتخابیه مشارکت در انتخابات کرده‌اند فقط ایل سنجایی پس از وصول اعلان انتخابات شرحی بانجمن نظارت کردند نوشته که بواسطه بودن ایل در گرمسیر اخذ تعرفه برای آنها مشکل است (مدلول شکایت پنجم) این است که در حوزه سقر و کلیائی از طرف امیر امجد اعمال نفوذ شده است و انتخابات آنجا مبنی بر تهدید بوده است و غلام موسی نامی کمیگویند از اشرار است از طرف امیر کل بآنجا رفته و از رهبای کنبوله و پشت در بند خواسته است در موقع اخذ تعرفه جلو گیری کند و دو نفر مجروح شده‌اند و دوسیه عدلیه شاهد ادعا قرار داده شده است اولاً

اول را وارد ندانسته است و اما استناد به نوشته که دو نفر از اعضای مستعفی پس از خاتمه دادن انتخاب که آنها هلت استعفا خود را بدون تهدید در انتخابات بیان میکنند نظر باینکه اشخاص مزبور در موقع استعفا خود مطابق اوراق استعفا کادر دوسیه انتخابات موجود است ذکر دلیلی برای استعفا نکرده و انجمن نظار هم جریان انتخابات را تصدیق کرده است لهذا شعبه باین اظهار آنها ترتیب اثری نمیتواند بدهد (مدلول شکایت دوم) این است که با اینکه آقای آقا جمال‌مثنی بوده‌اند صورت مجلس بخط ایشان نیست و خود شکایت کنندگان در این باب شوالی از ممیزی الیه نموده‌اند و آقا جمال جواب میدهد که بنده سمت منشی گری داشته و منشیان دیگر شاهزاده اسد الدوله و آقای وکیل المالك بوده‌اند و دوسیه مذکور بخط دامی نیست سید تصور میکند جواب این شکایت را خود آقای آقا جمال بطور کامل داده و مطلب را توضیح کرده‌اند زیرا بل داشتن دو منشی دیگر اگر منشی سبم صورت مجلس را اعضای انجمن و خود مشارالیه که یکی از آن اعضا است امضاء و تصدیق مینماید نوشته باشد ایرادی بر صورت مجلس و انتخابات وارد نمیشود (مدلول شکایت سبم) تکرار شکایت ماده اول که با ذکر اسامی استعفا کنندگان است که عبارت از آقایان ابوالحسن خان و مستشارالتجار و آقا شیخ علی و شاهزاده اکرم‌الدوله است یعنی اعضای مستعفی دو شعبه انجمن نظارت که تفصیل آن در ماده اول ذکر شد نظر شعبه همان است که در جواب اعتراض ماده اول عرض شده است (مدلول شکایت چهارم) راجع به تبعیض در فرستادن انجمنهای نظارت جزو است از طرف انجمن مرکزی و بالتبعیه محروم شدن صحنه قصر شیرین گوران - کلهر سنجایی از مشارکت در انتخابات - مطابق ماده ۸ قانون انتخابات اساساً فرستادن شعبه جزو بسته بنظر انجمن مرکزی و تصویب حکومت است و انجمن نظارت مرکزی کرمانشاهان چهار انجمن جزو معین کرده - صحنه را جزو کنگاور - کلهر و گوران و سنجایی را جزو کرند مسبب داشته‌اند و از طرف انجمن های نظارت تمام اقدامات مقدماتی از قبیل نشر اعلان و تعیین موقع دادن تعرفه و اخذ آراء و غیره بعمل آمده است و عملاً اهالی حوزه‌های انتخابیه مشارکت در انتخابات کرده‌اند فقط ایل سنجایی پس از وصول اعلان انتخابات شرحی بانجمن نظارت کردند نوشته که بواسطه بودن ایل در گرمسیر اخذ تعرفه برای آنها مشکل است (مدلول شکایت پنجم) این است که در حوزه سقر و کلیائی از طرف امیر امجد اعمال نفوذ شده است و انتخابات آنجا مبنی بر تهدید بوده است و غلام موسی نامی کمیگویند از اشرار است از طرف امیر کل بآنجا رفته و از رهبای کنبوله و پشت در بند خواسته است در موقع اخذ تعرفه جلو گیری کند و دو نفر مجروح شده‌اند و دوسیه عدلیه شاهد ادعا قرار داده شده است اولاً

انجمن نظارت حوزه سنقر و علمای آنجا و طبقات دیگر اهالی صحت و آزادی جریان انتخابات آنجا را تصدیق کرده‌اند و راجع به مجروح شدن دونفر هم تذکره نموده‌اند ثانیاً يك ورقه که موسوم به دوسبه عدلیه نموده و ورقه نظام دیوان که مدرک اظهار شکایت کنندگان قرار داده شده است بهیچوجه از اعمال نفوذ تهدید در جریان انتخابات حاکمی نبوده بلکه مربوط به استرداد اموال غلام موسی میباشد بنابراین دوسبه عدلیه و اعتراض بجرایان انتخابات برای شعبه مکشوف نگردید و این اعتراض غیر وارد است و مدلول اعتراض ششم (اعمال نفوذ در حوزه هرسین است که از طرف امیرکل پوسبله اعظم السلطه میگویند اعمال شده است و برای تأیید این ادعا دو فقره مکتوب یکی بامضای حسن نام و دیگری بامضای رئیس العلماء ارائه میباشد شعبه پس از دقت در صورت مجلس هرسین و نیاتین هیچ نوع شکایتی در موقع جریان انتخابات و تصدیق صحت آن از طرف انجمن نظارت که از جمله رؤس العلماء بوده است این شکایت را وارد ندانسته و مورد توجه قرار نمیدهد (مدلول شکایت هفتم) راجع به حوزه کرند هم يك فقره شکایت بهر ۲۳ نفر و يك سؤالی از سبب السادات نام که مستخدم امنیه بوده است ملاحظه شد نظر باینکه اظهارات آنها دلیل و مدرکی نداشت طرف توجه شعبه واقع نگردید (مدلول شکایت هشتم) راجع به کنگاور اخیراً ورقه سؤال و جوابی منتسب به شیخ عبدالصمد رئیس انجمن کنگاور از طرف آقا شیخ علی بشمبه داده شده که در جواب مینویسد که منتخبین را غالب رأی دهندگان نمی شناسند و از سوء جریان انتخاب مکرر ایراد نمود جوابی نشنیدم اولاً آقا شیخ عبدالصمد در صورت مجلس انتخابات کنگاور صحت جریان انتخابات را تصدیق نموده و تا موقع دایر بودن امر انتخابات بهیچوجه تعرض نکرده بعلاوه مهر این سؤال با مهری که در صورت مجلس انتخابات است بکلی مغالف و در صورتیکه این ورقه را بایشان هم میتوان نسبت داد براین اعتراض که مدتی بعد از جریان انتخابات و بعد از تصدیق حتمی که در موقع خود شده ترتیب اثری نمیتوان داد اورا قی هم که راجع به تهدید آقا شیخ علی و غیره بآن استشهاد میشود در آن ذکری از انتخابات نبوده بلکه حاکی از یارو اعتراضات دو ورقه بی امضاء نوشته شده داده‌اند که ذکر آنها در راپورت غیر لازم و خارج از نزاکت است در مقابل شکایات واصله عده کثیری از طرف احزاب و طبقات مختلفه علماء و آقایان و اهالی شهر و اطراف و ایلات از قبیل کلهر تلکرافات عدیده بامضای معارف مبنی بر تصدیق صحت انتخابات آن حدود و تکذیب شکایات کنندگان مخابره کرده‌اند شعبه پس از مذاکره کامل

مخالفتی با قانون انتخابات در جریان و عملیات انتخابیه کرمانشاهان ندیده و بالتبع صحت انتخابات آنجا و نمایندگی شاهزاده نصرالدوله را به (۱۹۳۶) و آقای معتمدالدوله از به (۱۸۶۷) رأی تصدیق میباشد
رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی هست
طباطبائی - بنده معالقم
رئیس - پس بمباید برای روزشنبه راپورتی است راجع به آقای طباطبائی قرائت میشود آقای حاج شیخ اسدالله راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند
شعبه ششم رسیدگی بدوسبه انتخابات حوزه ساوجبلاغ و شهریار و توابع و نمایندگی آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی نموده انتخابات حوزه مزبوره بقرار ذیل است
انجمن مرکزی در تاریخ ۲۸ ذی حجه ۱۳۳۷ درقریه کردان تشکیل گشته و پس از اعلان انتخابات مدت ۱۶ روز در ساوجبلاغ تفرقه داده و ۵ روز اخذ رأی نموده اند و در حوزه‌های جزء از قبیل شهریار و بلوک برقان و اشتاد انجمن های جزء تشکیل و مطابق قانون انتخابات را جریان خوانده داده اند و آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی با کثرت ۶۷۰۶ رأی منتخب شده‌اند چیزی که در دوسبه دیده شده این است که درفشند که در جدول انتخابات جزء حوزه های جزء نوشته شده انجمن جزء تشکیل نگشته شعبه در مقام کشف علت برآمد معلوم شد بواسطه قرب و نزدیکی بکردان انجمن مرکزی تشکیل انجمن را در آنجا لازم ندانسته و چند فقره شکایات هم در دوسبه بوده چون مراد شکایات با دلایل کافی دیده نشده شعبه نتوانست به شکایات ترتیب اثر بدهد و پس از افتتاح مجلس هم شکایتی نرسیده لذا شعبه ششم باتفاق آراء صحت انتخاب و نمایندگی آقای آقا میرزا محمد صادق طباطبائی را از حوزه ساوجبلاغ و توابع تصدیق نمیداد
رئیس - راجع باین راپورت مخالفی نیست (گفته شد غیر) رأی میگیریم بمباید کی آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میفرمایند قیام نمایند (جمع کثیری قیام نمودند) رئیس تصویب شد چون ظهر شده است بقیه اعتبار نامه‌ها را اگر تصویب نمائید بمباید برای روزشنبه چهار ساعت قبل از ظهر
مدیرس - بمباید برای یکشنبه چون روزشنبه شعبه‌ها کار دارند
آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم روز یکشنبه باشد آقایانیکه روز یکشنبه را برای تشکیل جلسه تصویب نمینمایند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد
رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۵

صورت مشروح مجلس یو ریگشنبه

۲۵ ذیقعد ۱۳۳۹ مطابق ۹ اسد ۱۳۴۰

مجلس تقریباً دوساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس پنجشنبه ۲۲ را آقای نصرت الدوله قرائت نمودند
رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا نه

حائری زاده - اعتبار نامه آقای طباطبائی باتفاق آراء تصویب شد باین کثرت

رئیس - دیگر اعتراضی نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد با پیشنهاد حائری زاده يك جزء دستور امروز راپورت شعبه ششم است راجع بانتخاب کرمانشاهان آقای طباطبائی مغالف بودند

طباطبائی بلی آقا -

رئیس - بفرمایند

طباطبائی - راجع بانتخاب کرمانشاهان همان طوریکه در جلسه قبل هم عرض کردم مخالف هستم و مخالفت بنده از نقطه نظر انتخابات است هم از نقطه نظر شکایت است هم از نقطه نظر ...

مردار معظم - بلندتر بفرمایند

طباطبائی - عرض کردم بنده راجع بانتخابات کرمانشاهان مخالف هستم و مخالفت بنده از نقطه نظر انتخابات است هم از نقطه نظر شخص منتخب است البته بنابر وظیفه بایستی من امروز مخالفت خودم را عرض کنم و پس از آنکه بنده عقاید خودم را عرض کردم بدیهی است حکایت را آقایان نمایندگان خواهند فرمود بنده وقتی آدمم جمع از آقایان می متواتر آینه اظهار کردند خوب است این مذاکرات در مجلس نشود یعنی مذاکره باینکه خارج از مسئله انتخابات است و فرمودند مهمان امکان باید رعایت حفظ مراتب مجلس بشود و مذاکرات بکمیسیون تحقیق رجوع بشود اگر مسئله حل نشد بمذاکره آن تصویب مجلس موکول شود بنده چون يك مقصود شخصی و يك لجاجتی ندارم فقط مقصودم آن بود که یک حقایقی که در نظر من ثابت و قطعی است عرض بکنم چون آخرین محکمه انتخابات مجلس شورای ملی است آن وقت بین نمایان آقایان نمایندگان چه چیز است علیه‌ذا قبول کردم و گفتم اگر دیگران پیشنهاد بکنند بنده مخالفت نخواهم کرد اگر آقایان میخواهند خودشان پیشنهاد بکنند و خیلی هم اصرار کردم البته تصدیق میکنید که وظیفه بنده مقتضی نبود که این تقاضا را بکنم زیرا برای بنده مخطوراتی داشت که برای آقایان نداشت این عرض من در اینجا فقط از این نقطه نظر بود که بینمیتوانند بگویند ملاحظه حیثیات مجلس را نکردم و نصیحت آقایان را گوش ندادم بنده هم قبول کردم ولی آقایان هیچکدام حاضر نشده‌اند که خودشان این پیشنهاد را بکنند این است که حالا اینجا آمدم که عرض بفرمایم خود را بر عرض آقایان برسانم آمدم بر سر مسئله انتخابات اولاً راجع بجرایان انتخابات

میخواستم ایشا عرض کنم که اگر آقایان نمایندگان باینک نظر انصاف و بیطرفی بحال کرمانشاهان در موقع انتخابات آنجا رجوع بکنند برای عدم تصویب این اعتبارنامه هیچ محتاج نیست بدوسبه مراجعه شود زیرا که انتخابات کرمانشاه در سال ۱۳۳۷ بود و در آن موقع يك حکایت در طهران وجود داشت که حقیقه کابینه اقتدار کابینه دیکتاتوری - کابینه آمریت بود و حاکمیت آن کابینه نسبت بتمام قوانین موضوعه مجلس بهیچیک از آقایان و کلاء پوشیده نیست حتی آقایانیکه آن کابینه را منتهی درجه شدت تنقید میکردند در این مجلس هستند در آن موقع اخیری حضرت والا منتخب کرمانشاه در آنجا حکومت داشت معلوم است جریان اغلب انتخابات در این دوره بر هیچکس مخفی نیست دخالت حکومت و غالب مامورین نظامی حکومتی که بدین مقدمه جس و نفی و اعدام میکردند معلوم است چقدر در انتخابات تاثیر دارد قانون انتخابات حاکم را صلاحیت انتخاب شدن نمیدهد طبیعی است از نقطه نظر صلاحیت گمان نمیکند ما بین يك برادری مثل شاهزاده سالارشرک با خود آقای نصرت الدوله بتوان فرق گذاشت زیرا اگر آقای نصرت الدوله خودشان در آنجا تشریف داشتند و میخواستند انتخاب شوند پیش از آقای سالارشرک اعمال نفوذ نمیکردند حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله کرمانشاهی نیستند که بگویم بواسطه نمایان ولایتی انتخاب شده اند اگر از نقطه انتخاب میشدند که حاکم آنجا اخوی ایشان و مامورین جزء و کل آنجا از بستگان خودشان نبوده شاید بنده در این قضیه آنقدر اهتمام نمیکردم اما باین ملاحظه باز لازم است که بنده عرض کنم که انتخاب کرمانشاه از روی آزادی عقیده نبوده و مبنی بر اجبار بوده است آیا با این حال لازم است بنده يك اسنادی اینجا ارائه بدهم ؟ در حالیکه هر آدم متمعنی در مرتبه اولی میتواند بفهمد که انتخاب يك چنین محلی مبنی بر آزادی نبوده و این موقع یاهمه آقایان نمایندگان یا اکثر آقایان میدانند که در طهران يك کمیسیونی وجود داشت رسمی یا غیر رسمی که حال بنده میخوام توضیحات بدهم ولی يك کمیسیونی بود که غالب و کلاً را کاندید مینمیکردند و خیلی اصرار میکردند در انتخاب آنها آقای نصرت الدوله در آن کمیسیون يك نفوذ فوق العاده داشتند بدیهی است از آن کمیسیون کاندیدا میشوند و شاهزاده اخویشان هر اقدامی کنند کسانشان همراهی میکنند یا این حال شعبه ششم هیچ این حقایق را در نظر نمیکرد و فقط بیک صورت ماست مالی اعتراضات معترضین را درم و برهم میکند و تعمق و تأملی که باید در آنها بنماید و بجای که باید بکنند هیچ نکرده فوراً میگوید که انجمن نظارت رد کرده بود و مدرکی در دست نبوده و اعتراضات آنها قابل توجه نبوده و چه و چه اگر شعبه رأی انجمن نظارت را قاطع میدانند پس باید

تصدیق کرد که معاکه شعبه و معاکه مجلس لغو است زیرا تصدیق انجمن نظارت و صورت مجلس انجمن نظارت کافی بود از اینک مجلس او را يك و صکیل ثابت الو کاله بداند پس ما هیچ نمیتوانیم اظهارات يك انجمن نظارتی را مستند قرار بدهیم مگر اینکه خودمان مستقیماً داخل مستندات و رأی انجمن نظارت بشویم و آنوقت خودمان بفهمیم که فلان انتخاب صحیح است یا باطل کاملاً از راپورت شعبه (اگر آقایان تمیق بکنند) مفهوم میشود که شعبه هیچ همچو تحقیقاتی نکرده لایحه اعتراض معترضین را اگر نگاه کنیم می بینیم در هر يك از مسائل يك اعتراضی هست اولاً راجع باستقامت انجمن نظارت در این لایحه اعتراض شده است که یکمده از انجمن نظارت استعفا کردند و یکمده استنکاف نمودند و راپورت شعبه ششم هم تصدیق میکند که عده مستنکف شده اند و حکومت عوض آنها را انتخاب کرده در صورتیکه فصول يك انجمن وقتیکه استعفا نکند و کناره بکند نمیشود بجای اوعضو دیگر را انتخاب کرد یا باید استعفا کنند یا اینکه باید با کثرت قناعت کنند معلوم است از نقطه نظر قانون عصویت و نفوذ خارجی در انجمنی که عضویت ندارند اطعمه بصحت جریان انتخابات وارد میشود در بعضی جا ها شعبه اظهار کرده است که چون فلان اعتراض کننده مدرکی در دست نداشت قابل توجه نبود بنده میخوام از شعبه سؤال کنم که مدرک يك معترضی از چه قبیل است آیا باید يك حکمی از حاکم شرع بیاورد ؟ یا باید دستخطی از رئیس الوزراء بیاورد ؟ یا يك فرمان دولتی بیاورد ؟ آیا جز شهادت شهود و اظهارات افرادی که دخیل در جریان انتخابات بودند برای مدرک شکایات خود چه سندی باید ارائه دهد چنانچه آقایان در کتابچه اعتراضیه ملاحظه فرمایند میبینند که معترضین هر کدام برای اثبات هر فقره از شکایات خودشان يك سندی در دست دارند از اعضاء انجمن نظارت از مامور حکومت واز سایرین معذالک هیچیک از آنها را شعبه محل اعتنا قرار نداده و هر چه تلاش داشته است کرده است که استخاره خوب بیاید مطابق اعتراضاتیکه شده خیلی خیلی خوب واضح است حتی هیچ شکای باقی نمانده که ترتیب چه بوده در موقع دادن تفرقه مسلحینی وارد انجمن نظارت میشوند و حتی شاهزاده حاکم هم آمده‌اند و خودشان دیده‌اند و با و عده‌ای که داده‌اند و ملاقاتیکه با آنها کرده‌اند معذالک هیچ اعتنایی نکرده و چشمشان را روی هم گذارده و بیرون میروند دلیل بر این مطلب هم تعطیل انجمن نظارت بوده انجمن چند روز تعطیل میکند و وقتیکه میباید اعتنا با و نمیکند بعضی استنکاف میکنند و باقی دیگر کار را خانه میدهند و وقتیکه در يك انجمن نظارتی جمعی مسلح وارد بشوند معلوم است در يك همچو جایی آزادی برای منتخبین چقدر است و تهدید تاجه درجه وجود داشته راجع بهر يك از انجمن جزء بلوکات شکایاتی کرده اند و استادی که در مقابل هر يك اظهار

کرده‌اند معذالک شعبه بسامحه گذرانیده و هیچ اعتنایی با اظهارات آنها نکرده فقط گفته است انجمن نظارت آن را رد کرده مامرد میکنیم محرومیت عشایر کرمانشاه یکی از مهمترین مسائل عدم صحت انتخابات است زیرا کسانی که از کرمانشاه اطلاع دارند میدانند عده عشایر کرمانشاه شاید متجاوز از نصف کرمانشاه باشد چطور ممکن است نصف ذوی الحقوق را از انتخاب محروم کنیم ؟ و آن انتخاب را صحیح بدانیم ؟ بلی يك رشته از عشایر شکایت نکرده‌اند بلی در آن موقع و با آن حالت و آن روز شکایت برای آنها ممکن نبود بآوردن قوای خارجی در آنجا البته جرئت شکایت برای آنها نبود آنهم در نقاط دور افتاده اگر ایل سنجایی هم شکایت کرده است همه ماجرت و فدا کارهای ایل سنجایی را میدانیم که از هیچ چیز نمی ترسند و فدا کارهای بزرگ کرده‌اند و خودشان را برای مصالح این مملکت فنا کرده‌اند البته آن حافظ می تواند جرئت بکنند و داخل شکایت از انتخابات بشوند دیگران جرئت نکرده و عدم اظهار آنها دلیل بر عدم جرئتشان بوده حالا اعم از اینکه شکایت بکنند یا نکنند وقتی که ما دیدیم یکمده از انتخاب محروم مانده‌اند و از اوضاع آن حدود هم بخوبی اطلاع داریم فرقی نمیکند که شکایت بکنند یا نکنند شعبه که بفرستان یکشعبه جزء انجمن نظارت بيك دمی که در يك فرسخی مرکز حوزه انتخابات واقع است اینطور اهمیت میدهند و در شعبه اشاره بآن میکند چطور می تواند از محرومیت يك ایل بزرگی چشم ببوشد ایل سنجایی تقاضا کرده است که چند روزی بر مدت علاوه کنند که آنها بتوانند از گرمسیر مراجعت کنند و بآنها اجازه ندادند و موافقت نکرده‌اند و متوقع بودند که عشایر آنجا از بیست و سی فرسخی زندگی خود را رها کنند و بیایند بفلان ده و رأی بدهند و می گویند چون نیامده‌اند حقشان اسقاط شده و اقامت حوزه سنقر و کلیائی و اوراق استشهادیه که تمام کرده‌اند در دوسبه موجود است و وضعیت حوزه هرسین کاملاً اعمال نفوذ غیر مشروع و اجبار منتخبین را واضح و مبهر می نماید و اگر واقعا آقایان نمایندگان با نظر قضاوت بدون توجه بمسائل خارجی رجوع بآن واقعات بکنند هیچ لازم نیست که دلیل دیگری برای فساد این انتخاب آمده و در مقابل یکی از اعتراضات معترضین می گویند این مسئله راجع باسترداد اموال غلام موسی بوده و خودش را غافل میکند که آیا مسئله غلام موسی و استرداد اموال او در وسط جریان انتخابات برای چه بوده ؟ و برای چه اموال او رفته ؟ عجیبتر از همه این است که در آخر راپورت می نویسد عده زیادی از طبقات اهالی اظهار رضایت کرده‌اند آیا يك قاضی میتواند بصرف اینکه جمعی اظهار رضایت کرده‌اند از يك امر قضائی قفلت کند ؟ بنده عرض میکنم رضایت تمام دنیا شکایت يك نفر را که مبنی بر مستند و دلیل باشد رفع نمیکند فرض کنیم که يك اشخاصی هم اظهار رضایت کرده باشند رضایت مستند قضاوت

نمی شود رضایت منشاء اثر نمیشود زیرا ممکن است دسته از انتخاب يك اشخاص راضی باشند رضایت یکدسته حقوق اشخاص دیگر راضی نمیکند و بنده هم تصور نمیکند در ضمن يك همچو مذاکرات و مباحثاتی که باید از روی اصول قانون باشد شعبه بتواند قناعت باین مسئله بکند که از طرف احزاب و که و اظهار رضایت شده بله بنده اگر بغوا هم خیلی مفصل داخل استدلال راپورت شعبه بشوم و مراد را يك يك طرح بکنم و از آقای مخبر جواب بخواهم و بعد جواب بدهم جلسه های طولانی لازم خواهد داشت چون میدانیم که آنقدرها توجه راپورت شعبه و مسائل راجعه بانتخابات نخواهد شد و طرفین تصمیم قطعی دارند باین جهت بیشتر از این در این موضوع گفتگو نمیکند همیشه خدمت آقایان عرض میکنم که واقعا اگر یکساعتی رجوع بکنید راپورت شعبه و اسناد اعتراضات معترضین آنوقت محتاج يك کشمکش و بحث طولانی نخواهد شد پس از اظهارات خودم راجع ب جریان انتخابات از آقایان اجازه می خواهم که قدری هم نسبت بملاحظه شخصی منتخب داخل مذاکره شوم و برای مطالعه و حل این مسئله مهم لازم است بتاریخ ربيع الاول ۱۳۳۷ رجوع کنیم یعنی بتاريخ آن انتخابات اگر فراموش نکرده باشیم و اوضاع ما را بفراشوی باز نداشته باشد و احساسات خودمان را کم نکرده باشیم و هر چه آرزو گفته ایم امروز تعقیب بکنیم آنوقت خود در نظر ما مجسم می شود که آرزو يك کابینه وجود داشت که حقیقه و واقعا آن کابینه از سه عضو مهم و سه عنصر فعال تشکیل شده بود اوضاع تاریخ دوره آن کابینه قدری مهم و عظیم است که بقوه نطق نباید تصور میکردم از عهد هیچ ناطق بر نیاید لیکن چون آقایان همه آنچه من دیده ام دیده اند و آنچه من میدانم میدانند لازم نمیدانم بخودم زحمت بدهم و با يك کلمات و الفاظی که احساسات آقایان را تحریک بکند و اوضاع آرزو را بتواند مجسم نماید عرض کنم فقط بطور خیلی مختصر یادآوری میکنم این کابینه راهمه میدانستیم (حالا دیگر نمیدانم بدانیم یا نه) کابینه قدرت یا کابینه دیکتاتوری و بالاخره کابینه قرارداد بود این کابینه بواسطه عملیات فوق العاده اش بطوری در تمام دنیا مشهور است که احتیاج ندارد بنده در روی مثير نطق اینکابینه را معرفی کنم همه میدانند که این کابینه عملیات خود را که منظور ملت بود با يك برجستگی و با يك شدت وحدتی انجام داد که در تاریخ مشروطیت ایران هیچ نظیر نداشت در زمان این کابینه هم میدانم که در اغلب جاها یعنی در هر جا که انتخاب معنی نبود و یا يك خصوصیتی در کار انتخاب نبود مبنی بر آزادی رای و آراء ملی نبود این کابینه آزادی منتخبین را سلب کرد اسناد و اوراق اینکار را همه آقایان دیده اند یا شنیده اند بنده برای حفظ مقام مجلس لازم نمیدانم عرض کنم در دوره آن کابینه انتخابات در رویف یکی از امور

دولتی و مثل یکی از جریانهای اداری دولت جاری بوده در زمان این کابینه يك هیئت اعزامیه با يك خیالاتیکه من نمی دانم و البته شما میدانید در تحت ریاست آقای مشاور الممالک برای مذاکره حقوق ایران در انجمن صلح با اروپا اعزام شد دیدیم بعضی اینکه وارد اروپا شد و بانجام وظایف خود اقدام کرد فوراً ملعون و مردود کابینه شد یعنی معزول شد این قضیه را آقایان اگر فراموش کرده اند صفحات روزنامه ایران ثبت کرده ممکن است رجوع شود در نتیجه اینکار وقتی صورت گرفت که دنیا انتظار داشت دولت و ملت ایران با يك رشادت و شجاعت فوق العاده حقوق خود را حفظ کند و از تنگنای بدبختیهای گذشته خود را خلاص نماید قرارداد مشهور دفعتا ایران و همه دنیا را بهوت و عصبانیت کرد حکومت وقت با امضای خود تصدیق کرد در زمانیکه راه سعادت بر تمام ملل ضعیفه باز است ایران باید از تمام خوشبختیها محروم باشد و این کابینه همه را از دست داده و به صرف کشمکشهای خصوصی خود کرد همه ملت میدانند در نتیجه این اقدام حکومت و توفیق الدوله که نتیجه و حاصل فکر سه نفر اعضاء آن کابینه بود (و در حقیقت سایر اعضاء کابینه نه در خود کابینه نه در خارج کابینه طرف اعتناء نبودند و فقط بوزارت دلخوش بودند) تمام ایرانیا با يکتو عصبیتي که معمول آنها است بر ضد آنکابینه صدا بلند کردند حکومت وقت برای خاموش کردن صداهای ملی از هیچگونه عملیات قهر و جبر کوتاهی نکرد و چون جمعی از معاريف این اقدامات را قبول نکردند حکومت وقت با ضربتهای شدید آنها و جماعت دیگر را از کارکنان را دستگیر و تبعید و نفی نمودند و آقای معتمد السلطنه وزیر خارجه کنونی که امروز هم آقایان میدانند محترم ترین اعضاء رئیس خودشان یعنی چشمه شارا در این راه گذاشتند تصور نفرمائید اگر بنده عرض کردم سه نفر از آن کابینه عضو فعال و عضو مایه شاه بودند دفاع از سایرین کرده ام همه آقایان میدانند قطع و فصل و رفت آمد حکم و اضاء همه با این سه نفر بوده و البته سایرین هم نمیتوانند بگویند ما مسؤولیت نداریم برای اینکه عضو کابینه بودند و مسؤولیت را قبول کرده اند و یکنفر که مسؤولیت را قبول کرد نمیتواند بگوید بن من مربوط نیست و بگوید من مسؤول نیستم البته در مقابل قانون مسؤول است و محافظت قانون با اوست بهر حال حکومت قرار داد رسماً بتمام مردم وعده داد که قرارداد عملاً بموقع اجرا گذارده نخواهد شد ولی رسماً شروع با اجرای آن قرارداد نموده دیدیم رسماً مواد قرارداد اجرا میشود آقایان که بعضی از آنها هم عضو مجلس هستند واضی شدند باینکه حکومت اعضاء قرارداد را معوق بگذارد و تسویه هم نکند تا مجلس باز شود و تکلیف قرارداد معلوم شود حتی دولت طرف

مقابل هم با فشار های اروپا با مخالفت مطبوعات اروپا با هیجانهای مردم که برای دفاع بقاء استقلال ایران میشد مجبور شد که این رویه را قبول کند و اجرای مواد قرارداد را بگذارد تا موقعیکه مجلس باز شود معذالك حکومت زیر بار نرفت و شروع کرد با اجرای مواد قرارداد یکی بعد از دیگری این حکومت حکومتی بود که همه ماها میدانیم که اصلاً باراده دیگران و با تسبیح و وسائلی که دیگران اتخاذ کرده بودند مشغول کار شده بود و دیدیم که از هیچگونه اقدامات برضد قانون اساسی و برضد مشروطیت فرو گذار نکرد همه میدانیم این حکومت از هیچگونه اقدامات برضد حکومت ملی مملکت ایران فرو گذار نکرد حتی برای پیشرفت مقاصد خود و انجام نقشه که برضد منافع ایران در نظر داشت از کشتن اشخاص هم بدون محاکمه کوتاهی نکرد اشخاصی را گرفتند کشتند بهار زدند تبعید کردند نفی کردند هیچ محکمه برای محاکمه آنها تشکیل نشد تمام مطبوعات در دوره آن کابینه بسته شد اگر آن روز آن کابینه مطبوعات را بمیل وارد خودش بکنده معذور نمیکرد اگر احزاب را یکمرتبه از میان بر نمیداشت امروز در موقع افتتاح مجلس شورای ملی برای تشریفات مجلس دفعه چهار روزنامه بر خلاف آزادی بدون محاکمه بسته نمیشد نمیخواهم عرض که اگر يك روزنامه بر خلاف آزادی رفتار کرد معترض او نشوند و بگذارد هر چه بخواهد بکند ولی قانون اساسی آزادی مطبوعات را واجب نموده و از طرف دیگر قانونی برای محدود بودن مطبوعات قرار داده البته هیچ حکومتی نباید باراده خودش در ظرف چند دقیقه حکم بستن مطبوعات را امضاء کند اساس مشروطیت اساس حکومت ملی آزادی رای و آزادی مطبوعات است از دوره آن کابینه نه آزادی رای نه آزادی مطبوعات در این مملکت بوده و نه آزادی هیچگونه.

رئیس - آقا شما دارید از موضوع خارج می شوید.

طباطبائی - بنده خارج از موضوع نمیشوم بنده میخواهم ثابت کنم که آن کابیه برخلاف قانون اساسی و حکومت ملی رفتار کرده و حضرت والا هم برخلاف حکومت ملی رفتار کرده اند و با همان دلیل که سلطانه محمد خان در این مجلس رد میشود شاهزاده نصرت الدوله هم نمیتواند قبول شود.

رئیس - ولی جناب عالی حالا در این موضوع مذاکره نمیکند از روزنامجات دارید مذاکره میکنید

طباطبائی - بله میخواستم اقدامات آن کابینه را عرض کنم و حق داشتم چهار کلمه هم از توقیف مطبوعات عرض کنم بهر حال حالا که آقای رئیس میل ندارند این صحبت را میگذارم و میرویم سرباقی دیگر این کابینه برخلاف اصل ۲۳ قانون اساسی بشرکتها امتیاز داد و باجاریش هم شروع کرد برخلاف اصل ۲۰ استقراض نمود برخلاف اصل ۲۷ قانون اساسی قوانین مشروطیت را نقض نموده برخلاف اصل ۹ متمم قانون اساسی مصونیت اخیر

را مغتبل کرد برخلاف اصل ۱۰ اشخاص را بدون تعصیر دستگیر و حبس کرد برخلاف اصل ۱۴ امنیت را یعنی امنیت عموم ملت را از میان برد برخلاف اصل ۱۴ نفی و تبعید کرد برخلاف اصل ۲۰ آزادی مطبوعات را سلب کرد برخلاف اصل ۲۱ اجتماعات را منع کرد برخلاف اصل ۲۳ در مغایرت تلگرافی دخالت کرد و تلگرافات را سانسور کرد و هر تلگرافی را میخواستند مغایره کنند تفتیش می کردند و هر کدام را که نمی خواستند مغایره کنند رد میکردند بالاخره در موقعیکه اعتبارنامه سلطانه محمد خان را که تقصیر او فقط موافقت با حکومت سیدضیاء یعنی يك حکومت غاصب يك حکومت منظور بود مجلس بعنوان قیام برضد حکومت ملی یعنی شرکت با کسیکه قیام برضد حکومت ملی کرده رد میکنند و همانطور که در مجلس اظهار شد که حکومت ملی عبارت از کابینه سیه دار نبوده بنده هم تصدیق می کنم که حکومت ملی عبارت از کابینه سیه دار نبوده حکومت ملی عبارت از اساس مشروطیت است یعنی قانون اساسی عرض میکنم آن کابینه مواد زیادی از قانون اساسی را نقض کرد بنا بر این شاهزاده نصرت الدوله که یکی از اعضاء آن کابینه و شریک و مشغول این اعمال بودند و برضد حکومت ملی قیام کرده اند علیهذا نمیتوانند وکیل شوند اعضاء قرار داد که همه چیز ما را بیاد میدهد و هنوز هم بعضی ترتیباتش باقی است برای اینکه معلوم شود ایشان حق دارند نمایندگی این ملت شوند بانه کافست آقایان خوب آن قرارداد را خوانده اند و همان هیجانها را که متوجه آن قرار داد شده است دیده اند و حتی يك اشخاصیکه علمداران هیجانها بودند در مجلس هستند بنده هیچ لازم نیست او را عرض کنم زیرا چیزی مخفی نیست ببلاده شاهزاده در اروپا يك اصرار و اتمامی داشتند در اجرای آن قرارداد و قبل از اجراء نقطهائیکه شاهزاده در اروپا کرده اند و انکاساتی که در مطبوعات کرده است همه یا عده از آقایان دیده و ملاحظه کرده اند در این موقع مطبوعات تمام دنیا بر علیه قرار داد حرف میزدند حتی يك قسمتی از مطبوعات دولت طرف اینقرار داد را تنقید میکردند معذالك وزیر امور خارجه تا آنجا اثبات و اصرار میکردند که اینقرار داد حیات بخشی است مؤسس حکومت سیاه و مسیّب آن همان کابینه بوده همه قدر و منزلت او را میدانید چه بوده و چه مقامی داشت و چه طور زندگانی میکرد او را داخل سیاست کرد آنکابینه او را داخل در حلقه دیپلماسی کرد و بفقار فرستاد پس از آن او توانست که این موفقیت را حاصل بکند و این مصمات را باین مملکت بزند پس میتوان گفت که تاسیس کابینه سیاه از نتایج سوء همان کابینه است بنده فقط وظیفه ام این بود که هر چه میدانم در مقابل افکار عمومی و در مقابل تاریخی که برای بعد می ماند

افکار و آراء خود را عرض میکنم حالا البته تمام آقایان و معذاله خدا شناس هستند و وجدان دارند اگر تمام عرایض من صحیح است توجه بگو کنند و اگر صحیح نداشتند خودشان میدانند با مسؤولیتی که بیش خدا دارند برای بنده تصویب این اعتبار نامه ورزش از نقطه نظر شخصی اهمیتی ندارد ولیکن برای قسمتهائیکه سابق خورده بودم و قسمتی که بعد باید بخورم مجبور بودم و چاره نداشتم و حتی برای حفظ مقام نزاکت و حفظ نظامات مجلس از چیزهائیکه باید گفت صرف نظر کردم.

نصرت الدوله - صرف نظر نکنید

طباطبائی - بله اگر يك ملاحظاتی نبود همانطور که گفتند صرف نظر نمی کردم ولی آنرا میگذارم برای دفعه دیگر تا ببینم در جواب این عرایض بنده چه گفته خواهد شد آنوقت بکهوری تکلیف معلوم خواهم شد يك شرح دیگری هم اینجا یادداشت کرده بودم ولی چون میدانم بی فایده است و آقایان و کلازه از طرفین يك تصمیمات قطعی دارند و شاید طول کلام موجب تضییع وقت مجلس شورای ملی است قسمت دیگر را می گذارم برای وقت دیگر

حاج شیخ اسدالله - بنده داخل در صلاحیت و سیاست نمیشوم ولی چون بدبختانه یا خوشبختانه مخبر شعبه هستم مجبور نظریات شعبه را بعرض مجلس شورای ملی برسانم و دفاع از عقیده شعبه بکنم فعلا در همین مرحله وارد میشوم و راجع بقریايات اخیر آقای طباطبائی که شاید در موقع خود بنده هم يك عرایض بکنم خیلی ممنون میشدم آقای طباطبائی هرگاه داخل میشدند در تمام مواد راپورت و آنچه بنظر شان میرسید می فرمودند تا بنده نظریات شعبه را عرض میکردم و آنوقت شاید تصدیق میفرمودند که شعبه در کمال دقت و بیطرفی از روی صحت رسیدگی باین اعتبار نامه و دوسیه کرده و نظریاتش را بعرض مجلس رسانیده ام گرامر اجماع بفرمائید براینکه در این مدت از طرف تمام شهابت مجلس داده شد در این دوره و دوره های قبل میبیند يك راپورت باین جامعی که تمام مواد شکایات بانام اسنادی که شعبه داده اند متعرض شده باشد نیست چرا شعبه اینکار را کرد برای اینکه مجلس نمایندگان ملت مدلل دارد که نظریات شعبه کاملاً از روی صحت و دقت بوده این بود که آنورقه اعتراضیه را که یکی از آقایان کرمانشاه شعبه داد تمام موادش را خواندیم اسنادیکه در مقابل ارائه داده بود در تحت نظر آوردیم پس از آن مطابق آن نظریات راپورت به مجلس تقدیم کردم بعضی از قسمتهائیکه آقای طباطبائی فرمودند مستحسن بود که آیا ممکن است یکنفر در يك موقعی کاندید شود و برادرش که حاکم بوده یا او مساعدت نماید و با او همراهی نکند و و و این مطلب را شعبه نمیتواند بمجراستحسان دلیل بطلان انتخابات قرار بدهد آیا به بنیم حکومت کرمانشاهان عملیاتی هم کرده است یا نکرده اگر عملیاتی کرده باید از کجا بفهمیم بجز از آنکه متشکبان شکایات

میکند و اسناد بشعبه میدهند و نز انجمن نظار در صورت جلسات نوشته به مجلس داده غیر از اینها ما میتوانیم علم غیبی تحصیل کنیم که از روی آن معلومات باطنی اظهار عقیده کنیم بهجوت همچو کار را نمیتوانیم بکنیم شعبه باید مر اجماع بدوسیه بکند شعبه باید مر اجماع با اسناد بکند و به بیند اسنادی را که داده اند چه اسنادی است اسنادیکه داده اند ملاحظه بفرمائید یکی راجع بوضع انتخابات سقر است که از روی تهدید بوده دلیل آنکه انتخابات آنجا از روی تهدید شده چه بوده صورت عرض عالی است که يك غلام موسی نامی داده است که مال مادر سقر یا در حوالی غارت کرده اند و صلحیه یا مسکحه بدایت تعقیب کرده است ابتدا نه گفتگوئی از سوء جریان انتخابات و تجاوزات مأمورین دولتی است و نه اسمی از انتخابات است مر اجماع اگر بدوسیه بفرمائید تصدیق خواهد فرمود که شعبه نمیتواند همچو سند را که ارائه میدهد که شخصی تظلم کرده است مال مرا برده اند دلیل بطلان انتخابات قرار دهند تمام راپورت را اگر بطور دقت ملاحظه فرمائید تصدیق می نمائید که شعبه هیچ چیز را از نظر دور نکرده متلاً یکی از مطالبی که دلیل بر بطلان انتخابات قرار داده اند این است که رئیس انجمن کنگاور شیخ عبدالصمد نام که صورت مجلس انتخابات را نوشته و مفصل و مشروح تصدیق صحت انتخابات آنجا را کرده و انجمن مرکزی مطابق آن صورت مجلس که بهر و اعضاء تمام انجمن کنگاور است صحت انتخابات آنجا را تصدیق کرده اخیراً يك نوشته آورده بشعبه ارائه داده اند که این مال آقا شیخ عبدالصمد است آنجا شیخ عبدالصمد دوقفره می نویسد یکی آنکه منتخبین را اهالی نمی شناسند و دیگر از سوء جریان انتخابات مکرر در موقع انتخابات شکایت و فریاد کرده ام کسی گوش بحرف من نداده و بهر این نوشته با مهر آنکه در صورت مجلس است متفاوت است می گویند این نوشته مال شیخ عبدالصمد است اگر این نوشته مال او باشد و صحیح باشد جناب آقا در موقع انتخابات که فرموده اند انتخابات غلط است پس چرا تصدیق کردی که انتخابات اینجا کاملاً مطابق قانون جریان یافته و انتخابات اینجا صحیح است شما می توانید يك همچو مهریکه منتسب باو است و ابداً شباهت با مهری کدر صورت مجلس است ندارد و با این اختلافی که نوشته دارد ترتیب اثری به بعد وظیفه شعبه این بود که رسیدگی خودش را بکند کرد و رای خود را داد يك قسمت فرمایشات آقا راجع بعشایر آنجا است مخصوصاً ایل جلیل سنجابی قانون انتخابات برای عشایر و قسم انتخابات قرارداد بعضی ها را يك نمائنده مستقل برای آنها قرارداد مثل ایل جلیل بختیاری و قشقایی بعضی از عشایر را جزء حوزه انتخابیه قرار داده ترتیب این انتخابات چه چیز است آیا مثل انتخابی است که وکیل و نماینده مخصوص دارد نه آن ایل باید آرایش با آراء شهر و انجمن های جزء شعبه شود تا يك نماینده معین کند حالا می فرمائید انجمن معرور حکمران است عشایر آنجا را از انتخابات از سر اجماع

بدوسیه معلوم میشود که هیچ چیز نیست زیرا که انجمنی قرار داده اند و گردن عشار یکم که گردن است از جمله کلهر و سنجابی و گوران اینها را مرکز انجمن جزه شانرا در گردن قرار داده اند و اعلان انتخابات بتمام آنها داده شده است مدت دادن تعرفه و اخذ آراء معین شده در آنجا فقط از طرف ایل سنجابی نوشته شده است که بواسطه اینکه ما فعلا در گرمسیر هستیم نمی توانیم برای رأی دادن حاضر باشیم و هذر خودشانرا خواسته اند و تقاضای تجدید مدت دادن تعرفه را نکرده اند مراجعه بفرمانید سایر عشار اظهار رضایت کرده اند که انتخابات صحیح است شکایت هم نداریم ایل کلهر هم اظهار رضایت کرده اند این فراز آخر را که فرمودند چگونه شعبه اظهار رضایت را نوشته جهت این است که جمعی شکایت می کنند که انتخابات آنجا از روی تهدید بوده است شعبه مجبور است و فیکه این اعتراضات را نوشته به آن تلگرافات رضایت هم اشاره بکند که مطابق تلگرافات ایل کلهر میگوید انتخابات صحیح است و ما که از رضایت را از انتخابات آنجا داریم پس سوء جریانی در انتخابات آنجا نشده اینکه بمفرمانید بعضی انجمنهای جره تشکیل نشده و شعبه آنرا محل توجه قرار نداده مراجعه بقانون انتخابات اینمطلب را جواب میدهند که قانون انتخابات حق بانجمن نظار داده که در تقاطیک صلاح میداند انجمن نظارت جزه تشکیل بدهد با مراعات حوزه ها و تناسب جمعیتها که بتوانند برای دادن تعرفه حاضر شوند و سابقه اینمطلب هم در غالب دوسیه انتخابات در این دوره و دوره های پیش هست مخصوصاً در دوره سابق انتخابات کرمانشاهان نظرم هست که انجمن نظار مرکزی زاده از سه انجمن جزه تشکیل نداده و در این دوره انجمن مرکزی غیر از شهر چهار انجمن نظار جزه تشکیل داده و عملیات انجمنها را در اینخصوص مجلس تصویب کرده و رأی بنمایندگی منتخبین داده مقصود این است که انتخابات مطابق شرح دوسیه هیچ اشکالی ندارد و اینکه بمفرمانید شعبه سمت قضاوت و حاکمیت دارد و خودش با اسناد و نوشتجات باید رسیدگی نموده و قضاوت بکند و اظهارات انجمن را کاملاً ترتیب اثر ندهد بلکه شعبه حاکمیت دارد باید شعبه قضاوت بکند آیا از روی چه قضاوت بکند غیر اسناد است غیر از روی مواد شکایات است بالاخره اگر بنا شود شعبه اظهارات انجمن را بکلی بی اثر بدارند آنوقت شاید هیچ انتخاباتی را صحیح ندانند پس انجمن نظار تا خیانتش معزز نشده رسمیت دارد و باید شعبه ترتیب اثر به اظهارات آن انجمن بدهد اگر شکایت بشود از انجمن نظارت آنوقت شعبه باید شکایاتیکه از انجمن نظارت رسیده ملاحظه کرده اگر معلوم شد که انجمن نظارت خلاف کرده آنوقت اثرات او را بکلی انودانسته و از عملیات انجمن قطع نظر نموده ترتیب اثر ندهد این فراز را که فرمودند در راپورت نوشته که شکایات محل توجه نشد خیلی بی مرحمتی فرمودند

آقای طباطبائی اگر ملاحظه برابورت بکنند نوشته شده است که بشکایات و اسناد محل توجه نشد بلکه تمام جزئیات را شعبه محل توجه و مطمح نظر قرار داده تمام نکات را متعرض شده برای خاطر اینکه مغیر شعبه پیش بینی میکرد که شاید در مجلس شورای ملی یک همچو اعتراضی بشود آنوقت این راپورت را مغیر شعبه در دست بگیرد و بگوید این راپورت شعبه است ببینید تمام اسناد دولانی را که شعبه داده اند ما محل توجه قرار دادیم و از روی دلیل رد کردیم زیاده از این داخل در مذاکره نمیشود و زیاده بر این عرض نمیکنم آقایان مراجعه برابورت شعبه کاملاً فرمایند و اگر هر آینه خود را محتاج مراجعه اسناد دانسته بمفرمانید بنده اسنادی را که در شعبه هست میآورم و ارائه میدهم مثلاً یکی از فستهای که در دوسیه هست و از دلایلی که معترضین از برای بهلان انتخابات اظهار میکنند این است دو ورقه کاغذ بدون امضاء و بدون مهر که میگویند شب نامه است بدیوار چسبانیده اند و یکی را هم برای حاج آخوند نامی از علمای کرمانشاه فرستاده و باو نوشته اند و در آنجا باقا زاده ایشان بعضی نسبتهای اخلاقی داده اند که آقا زاده شافلان است خوب است نصیحتش بکند و و و و معلوم نیست آنها در چه تاریخی نوشته شده و کی نوشته برای چه نوشته آنرا جزء دوسیه و جزء شکایت خود قرار داده اند که این نوشته دلیل بر تهدید است پس انتخاب کرمانشاه باطل است چرا برای اینکه یک چنین کاغذ را نوشته اند چرا برای اینکه یک چنین شب نامه بدیوار چسبانیده اند آیا اینها را شعبه میتواند دلیل بر عدم صحت انتخابات قرار بدهد؟ بنده زیاده بر این عرض نمیکنم و بنظریات آقایان و اگذار میکنم و همینقدر از شعبه دفاع میکنم که شعبه خیلی دقت کرده و رسیدگی نموده و آن اسناد را هم که در شعبه دیده شده نتوانست ترتیب اثر بدهد و دلیل بر بهلان انتخابات قرار بدهد مطالب دیگر هم که فرمودید از نقطه نظر صلاحیت و سیاست بنده فعلاً داخل در آن نظریات نمیشوم اگر آقایان داخل این مذاکره شدند بنده هم عریض و نظریات خود را بر عرض مجلس شورای ملی میرسانم.

رئیس - آقایان مدرس و ملک الشراء و سهام السلطان موافق هستند. اینطور نیست؟
مدرس - برابورت بلی.
رئیس - آقای سردار معظم شما مخالفید؟
سردار معظم - بنده راجع بشعبه بعضی اظهارات داشتم.

رئیس - مخالفی نسبت برابورت نیست؟
مدرس - نسبت بصلاحیت بنده مخالفم.
رئیس - یک مخالف حرف بزند آنوقت جناب عالی بمفرمانید. پس مسئله را تفکیک میکنم یک قسمت راجع بجریان انتخابات است و قسمت دیگر راجع بصلاحیت. راجع بانتهایات و جریان آن مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) اگر مخالفی نیست مذاکرات ختم خواهد شد (باز مخالفی نبود) معلوم میشود مخالفی نیست. راجع بصلاحیت آقایان مدرس و ملک الشراء

و سهام السلطان و سلیمان میرزا و سردار معظم اجازه خواسته اند حالا یک موافق بایند اظهار عقیده کنند.
مدرس - اولاً تشکر میکنم از آقای طباطبائی که در وقت مخالفت با قرارداد اگر چه بعضی کمکهای خودمانی فرمودند ولیکن کمکهای علنی را امروز فرمودند ۱۳ ذیقعد ۱۳۳۷ یک روز نجسی از برای ایران بود و یک قرارداد منحوسی بدون اطلاع احدی منتشر شد کابینه آقای وثوق الدوله همینطور که آقای طباطبائی فرمودند که جزء اعطش سه نفر بودند آقای وثوق الدوله. صارم الدوله. نصرت الدوله مردم کمال غفلت را داشتند که این قرار داد منحوس چیست الا نادری وقلی که از جمله (خود حضرات آقایان میدانند) بنده بودم که در همان ساعت که قرارداد منتشر شد باو مخالف شدم تا امروز بالاخره خدا توفیق بملت ایران داد باستثنای ۶۸۴ نفر که اصولاً و فروعاً عملاً قاصراً و مقصراً با سیاست باکسیار تمام مملکت ایران موافقت با قرار داد کردند. باقی تمام ملت ایران با قالا و یا حالا مخالف با قرار داد بودند ۶۸۴ نفر بودند در تمام ایران که در کتابچه بنده اسامی و عملیات نشان ثبت است که انشاء الله اگر مجلس یک نشانی پیدا کند و بایک دولت وطن خواهی پیدا شود آن موافقین قرارداد اصولاً سیاست و کسباً با انواع و اقسام آنها رسیدگی کند و تحقیق کند هر کدام مقصود مجازات کند و خیلی متأسفم که آنروز هر چه داد زدم کسی بداد من نرسید موافقت نکرد. لکن الحمد لله امروز همان اشخاص موافقت میکنند بازم خوب است هر چه عرض کردم آشکارا در مقابل بول پول میخواهند آقای طباطبائی چیزی فرمودند نزاکت فرمودند چه تهدیدها در این کار شد چه مردنها شد چون امیدوارم که آنچه عقیده دارم ذره مغنی ندارم عرض میکنم که ۱۸ نفر از موافقین قرارداد در این مجلسند اصولاً تقلیداً تصوراً و امروز اگر در ایران محکمه عالی باشد اینجا است ایران اگر مردم صبحی دارد یک قسمت آنها اینجا است اگر مردمانی دارد که چیز میفهمند و وطن خواهند و اسلام خواهند یک قسمتش اینجا است نباید اغماض کرد البته مجلس شورای ملی نوعاً مشتمل بر همه قسم اشخاص بوده و هست قرار داد منحوس یک سیاست مضر بدیانت اسلام بضرر سیاست بیطرفی ما بوده (جمعی تصدیق کردند) ما بیطرفیم نباید تمایلی نسبت بصیاست ما بشود ما بیطرفیم (جمعی گفتند صحیح است) الان هم همان قسم است که عرض میکنم ما بیطرفیم از موقع جلوس اعلیحضرت همایونی و جنک عمومی که اعلیحضرت نطقی فرمودند و بیطرفی را اظهار فرمودند مجلس شورای ملی تصدیق کرد کابینه وثوق الدوله خواست ایران را رنگ بدهد اظهار تمایل بدولت انگلیس کرد برضد او ملت ایران قیام نموده حال هر کس تمایل بصیاستی بنماید مایه یعنی ملت ایران باو موافقت نخواهیم نمود چون که شمال چهره جنوب چهره که آخر دنیا با یک ملتی هستیم فقیر ضعیف و باید بیطرف باشیم و هیچ رنگی نداشته باشیم صریحاً عرض میکنم بنده که مخالف با آن کابینه بودم برای این بود که قرارداد را

مضر می دانستم تمایل از برای ما مضر است بنده بر ضداوستم در این عرض نه اختصاص با آقایان و کلا دارد بلکه عرض من متوجه بشرق و غرب و شمال و جنوب ایرانست (گفتند صحیح است) آقایانیکه اینجا هستند ملتفت هستند بعضی انتخابات بد است ملتفت هستند بعضی اشخاص بد میباشند ولیکن باید حکومت بحق کرد نصرت الدوله پسر فرمانفرما مطرح مذاکره است نه مسئله انتخابات والا انتخابات بنحاله با سیاست های مختلفه و دولتهای مختلفه بدست من می بینم و حسن میکنم که آقای نصرت الدوله را بعضی قابل مجلس شورای ملی نمیدانند خیلی تقدیس میکنم برای اینکه آقایان بعد از دو سال حالا رفیق بنده شده اند چون صدماتی کشیدم تعرض شخصی بخارجی کرده ام یک که لایحه با من نکرده اند و امروز آمده اند رفیق من شده اند خدا توفیق بایشان بدهد و احساسات را در ملت ایران زیاد کند که امثال آقای وثوق الدوله و نصرت الدوله را ملت ایران بداند و ولیکن یک مسئله می خواهم در این مجلس عرض کنم و با نصاب و عدل دیانت آقایان محول میکنم یک اشخاصی رنگ پیدا کردند آمدند و گفتند عقیده ما تمایل بصیاست انگلیس است شاید یکی پیدا شود و بگوید عقیده سیاسی من روس است ما بر ضد همه هستیم ایرانی مسلمان باید مسلمان و ایرانی باشد (گفتند صحیح است) هر رنگی غیر از این داشته باشد دشمن دیانت ما دشمن استقلال ما است ولیکن نصرت الدوله آنروزی قابل مجلس نبود؟ یا نصرت الدوله امروز؟ که فرضاً دروغی میگوید من تمایل بانگلیس را رها کردم من ایرانم امروز محکمه عدل ایران این محکمه است اغلب شما ها می دانید که من بعمد الله تعالی با احدی غرض ندارم و با احدی از افراد ناس محتاج نیستم حتی در رأی دادن بوالکالم و من از آقای رئیس تقاضای کم رأی مرا بیندازند بعد از رأی دادن تمام و کلا که آقایان از هر جهت آزاد باشند من زبانت از شما این عقیده را دارم که نصرت الدوله سابق رنگ داربد است نه نصرت الدوله امروزی دیانت و مملکت خواهی بن حکم میکند که ولو این اظهار غیر واقع باشد من او را قبول کنم حالا که این حرف را میزنم بگویم ما تو را قبول نمیکنیم ملت تو را قبول نخواهد نمود اگر مملکت خواهی شما اقتضا دارد که کسیکه رنگش را رها کرد بعد برود رنگ پیدا کند حرفی نیست اگر این برای مملکت صلاح است بگویند احسن اگر محکمه عدالتی در ایران ممکن است تشکیل بشود یا رلمان است بنده عرض میکنم موافقین قرارداد که هیچکس نفر از آنها اعضاء این مجلس هستند این محکمه باید رسیدگی کند هر کدام تصدیق کرده اند مجازات کند و اگر قبول گرفته اند از ایشان استرداد نماید تا عبرت دیگران شود تا کسی دیگر رنگ بخودش نگیرد اما امروز من به با وطن خواهی ما اجازه میدهم که کسیکه میگوید من خطا کرده ام او را بدون جهت و قانونی از مجلس رد نمائیم اگر

نصرت الدوله و امثالش عود کردند و رنگ بخود دادند ما هم که یک ملت ضعیفیم عود میکنیم بنده تقدیس میکنم آنها را که نظرشان بر این است که نصرت الدوله صالح برای این مجلس نیست اما باید نصرت الدوله موافق قرارداد را با نصرت الدوله امروزه فرق گذارد من عقیده خودم را اظهار میکنم این مجلس هم عدل است این اشخاص که در آن سیاست شراکت کردند و حالا اعتراف بخط خود کرده میگویند ما خطا کرده ایم و این رنگ سیاست را رها کرده قبل را رها کرده و شتر را هم رها کردیم ایرانی هستیم و تابع سیاست بیطرفی ایران هستیم من که یک نفر صدای خودم بشرق و غرب ایران و جنوب و شمال ایران و بخارجی های همسایه و غیر همسایه میرسانم و میگویم مدتها نصرت الدوله تمایل اختیار کرد حالیه که بیطرفی اختیار نمود من او را قبول میکنم و یقین دارم ملت ایران با من هم عقیده خواهند بود میگویم نصرت الدوله سالها قبل بخودش چسبانید الان میگوید من خطا کرده ام یا راست میگوید یا دروغ من میباید بگویم تورا دست میگویم و تو که الآن تمایل کردی و خودت را می - خواهی ایرانی و ایران خواه معرفی کنی ما قبول می کنیم اگر خدای نخواسته باز رنگ پیدا کرده ما همانیم که بودیم مخالفت با کابینه وثوق الدوله کردیم ملت فقیر بیچاره هم با کمال ضعف و قوی و بی چیزی و نفاقت بالاخره او را دربر کرد می خواهم با آقای طباطبائی یک عرضی بکنم و تصدیق کنم فرمایند ایشانرا که گفتند اساسی قرار داد بوده سید ضیاء را آورد چنانچه از اول تاحال عرض می کنم باید مخالفت را در دور انداخت و متفقاً کار کرد برداشت مجلس ما اتفاق بوده گفته شد (صحیح است) همان قرار داد و سیاست است که مجلس را منتهی می کند بدو دسته شاید یک دسته مستشار و پلیس جنوب شوند و یکدسته مخالف باید همچنین که این چند روزه بموافقت مشی نزدیک امینوارم که در این ناملازمات باز هم بموافقت رفتار کنیم در حوادثی که اطراف مملکت را فرا گرفته بلا استثناء آتش است یکی را نمی گویم آتش و یکی را یخ همه آتش است ایرانی باید خودش ایرانی باشد سیاستش هم ایرانی باشد بدی شخص نصرت الدوله بر احدی حتی بر خودش هم مغنی نیست لیکن نصرت الدوله امروزه را با نصرت الدوله موافق قرارداد باید در نظر گرفت شما که حکومت می کنید آیا باید نصرت الدوله را رد کرد یا قبول؟ بنده عرض می کنم امروز باید او را قبول کرد اگر باز بخود رنگ گرفت ملت همان ملت است معلوم است کسی که سالها علف تلخی خورده باید سالها علف شیرین بخورد که گوشت و پوست و استخوانش فایده داشته باشد این عقیده سیاسی من است اگر باز آقایان فرمایشی دارند بمفرمانید شاید باز توضیحاتی عرض کنم

شاهزاده سلیمان میرزا البته آقایان اجازه میدهند که بنده دو سطر قبلاً اظهار تشکر و خوشوقتی بکنم از اینکه سعادت منی که تصور نمی کردم مجدداً بآن موفق شوم یعنی باز در مجلس شورای ملی در خدمت عموم دوستان و رفقا نمایندگان ملت حضور داشته باشیم و یا اینکه قدم بخاک وطن عزیز بگذارم زیرا همیشه از جمله چیزهایی که مکرراً گفته میشد این بود که شما ابتدا مرخص نخواهید شد بنا بر این واجب است که امروز همیشه متشکر باشم از اینکه مجدداً در روی خاک وطن عزیز خود قدم گذارده ام و حق آنرا پیدا کردم که در مصالح این مملکت بقدر فکر خودم صحبت بکنم بعد از تشکرات خود که خیلی مختصر است عرض می کنم که اینجا مطلبی که مذاکره شد یکی راجع بجریان انتخابات است که بنده در آن موضوع عرضی ندارم چون مسئله انتخابات معلوم است در اغلب جاها چه شکل جریان داشته اما راجع بعدم صلاحیت منتخب برای اثبات این مسئله کاغذهای داشتم و البته آقایان مسبقاً هستند که در عرض این سه سال در یکجائی بودم که هیچ کاغذ و روزنامه نمیدیدم الا بنسبت ولی اخیراً از مندرجات مطبوعات بعضی خبر ها یادداشت کرده ام از حکومت کابینه وثوق الدوله که افضل التفضیل کابینه سیاه بوده و همین طور که آقای طباطبائی اظهار فرمودند تمام مخالف مواد قانون اساسی و حقوق ملی بود و گمان نمیکنم در مجلس یاد تمام مملکت ایران یک نفر کسی که ایران دوست باشد عقیده اش غیر از این باشد ولی فقط آقای مدرس یک عددی را که بنده درست حفظ نکردم فرمودند در کتابچه زردشان ثبت است و فرمودند ششصد و کتری در این مملکت موافق قرار داد بودند که آنقدر را ضبط نکردم و اشخاص را هم نمی شناسم بلی در صورتی که این مسئله محقق باشد دیگر گمان نمیکنم چیزهایی که می خواستم بر عرض آقایان برسانم برای این بود که ثابت بکنم این مسئله قرار داد در روزنامجات در زمان این کابینه منحوس طبع شده و سه نفر که شخص سید ضیاء الدین عضو چهارم آن محل و مرکز فساد بوده و آن ۳ نفر در کابینه عضویت داشته و آن یک نفر عامل افکار آنها در خارج بوده و در جمعیت دست آنها بوده و خیالات آنها را منتشر می کرد و با عقیده آنها موافقت میکرد و عقاید آنها را تقویت می نمود و اگر در کابینه خودش هم اقدام کرد شعبه ایست از آن سرچشمه و فرعی است از آن اصل و آن اقدامات را در آن مکتب آموخته بنا بر این اسم این فرع را این مجلس استعفاً کابینه سیاه گذاشته آن اصل معلوم است هر چه افضل التفضیل برای او قرار دهند هست مرکز تمام سیاه. این قرارداد را (ارد کرزن) در نطق خودش در سر میز ضیافت خودش با شاهزاده نصرت الدوله یا با صلاح روزنامه های خارجه پرنس فیروز یگانه وزیر خارجه وطن خواه و نماینده مستعین ایران که بافتخار ایشان این ضیافت

داده شده بود و همه آقایان در روزنامه رده خوانده اند که لرد کرزن میگوید (من با حضرت والا در این مسئله موافقت دارم و آنرا با عقاید و نظریه ملت ایران...) طوری مطلب را می‌رورانده (شاید بنده قوه قهریه خیلی کم شده باشد) ولی اگر هر آینه دست ما به دوسه های خصوصی وزارت خارجه می‌رسید و اگر (یعنی اگر مثل خیلی چیزهای دیگر) اورا نشان از میان نرفته باشد و اگر همانطور که آقای مدرس فرمودند بخواهیم ملتی باشیم که قضاوت مابین خدمت و خلاف را همیشه در نظر داشته باشیم و معاکه کنیم و بدون ملاحظه آن اسناد را در مقابل خود بگذاریم از هر کس هر چه صادر شده بدون استثناء در یک محکمه بیطرفی خوانده و معاکه کنیم (اگر چه خیانت و خدمت در مملکت زود یا دیر گفته نمی‌شود) و بالاخره اگر ما ها که معاصرین خدمات یا خیانات هستیم اورا معاکه نکنیم آینه های ما اشخاصی که امروز در روی این زمین نیستند و بعد متولد میشوند معاکه خواهند کرد بهرحال اگر آن دوسه های وزارت خارجه در دست بود بطور حتم مدلل میداشتند که این مطلب از طرف کابینه و هیئت دولت انگلستان پیشنهاد نشده و یک پیشنهادی از دولت منحوس سیاه خائن آن زمان شده که آنها بعد از اصلاحات پیشنهاد کرده و اجازه داده اند در روی آن زمینه آن کابینه این خدمت بزرگ تاریخی را انجام دهد نمیدانم باید گفت خدمت یا فروختن این مملکت بدرام بخش بالاخره از این کابینه و از وجود آقایان چهار نفر مؤسس واقعی اینکار که مسئول ظاهرش شاهزاده نصرت الدوله که وزیر خارجه و امپراتور آن زمانه بیشتر بود صورت گرفت چون باید انصاف داد عرض میکنم که بالاخره تصور کنیم در آن دوره مملکت در یک مضيقه و فشار هائی بود که مقتضیات آنوقت بهر کس که زمامدار امور بود اجازه میداد برای حفظ سیاست آنروز اینکار را بکند ولی بنده خدمتشان متذکر میشوم ایشان وقتی دیدند امر اینطور شده کنار جویی میکردند مثل اینکه سایرین هم تکلیف کرده بودند مثلا امروز یک کسی بنده بگوید که برادر و پدرت را بکش تا وزیر خارجه بشوی باید بگویم چشم برای اینکه وزیر امور خارجه بشوم و بعد که از من بپرسند چرا کشتی بگویم همه را کشتیم که وزیر بشوم این حرف گمان میکنم مطابق هیچ منطقی نباشد و در هیچ محکمه تصدیق نکنند که یک شخص میخواهد با وحضرت اشرف بگویند و وزیر بشود و صاحب اختیار باشد آنقدر خلاف کارها که در این کابینه شده مجری بساد و معجز شود که یک قرار داد میشود به بند که بجهت الله امروز در یک توده خاکستر افتاده و رسماً لغو شده است اعلیحضرت معجوب ما در موقع نطق افتتاحیه خودشان در این مجلس آنرا ملغی فرموده اند و امروز مجری نیست و اگر بعضی مواد آن مثل مستشار ها و غیره نزدیک بود بموقع اجرا گذاشته شود آنها بطرف و مرحمت خداوندی و کمک تمام و کلاعه که بنده یقین دارم یک مخالف پیدا نمیشود

همینکه و کلاعه اعتبار نامه هاشان تصویب شد و داخل در مطالب اساسی بشوند اولین اقدام اساسی تمام رفتاری بنده و تمام آقایان و کلاعه راجع بهمین مسئله خواهد بود اگر چه بنده مدتی است از خدمت آقایان دورم یک مدتی بواسطه کسالت و یک مدتی بواسطه مسافرت و یک علت هم این بود که نمیخواستم داخل در جریان انتخابات اشخاصی بشوم و امروز چون صحبت یک صحبت اساسی راجع بود حاضر شدم این راهم عرض کنم یک روز شخصی از قول قونسول فرانسه در بمبئی بامن از قرار داد صحبت می کرد باو گفتم باوجود اینکه در حبس هستم تا آخرین ساعت بقدری که میتوانم برخلاف این قرار داد حرف خواهم زد و اقدام خواهم کرد شما تصور نکنید که در تحت فشار ظالمانه یک هیئت منحوسه سه چهار نفری که ایران را خراب کرده اند مردم ساکت باشند و آنها بتوانند جلوگیری از احیای مردم بکنند و ایرانها حاضر هستند این قرارداد را با خون خودشان محو کنند ایشان بن فرمودند که در زوایای طهران ... چون آنوقت در روزنامه های اروپا اینطور انتشار پیدا کرده بود که ملت ایران چراغان م کرده اند و یکی از روزنامه های ایرانهم تیریکانی نوشته بود که درج کرده بودند و می گفتند ملت ایران مخالف نیست جز چند نفر معدودی که در زوایای طهران هستند که هیچوقت امنیت و آسایش را نمی خواهند اشخاصی که میباشند همیشه بر علیه حکومت های حاضر هستند آن چند نفر معدودیکه عادت باین قبیل چیزها کرده اند برخلاف قرارداد حرفهائی زده اند آنها را بجهت الله حکومت و طعنخواه و قوی قادر آنروز گرفت و تبعید کرد !! (بسیار خوب) بنده باوجود این گفتم خیر این چند نفر نیستند خواهید دید که زیاد خواهد شد بجهت الله رسیده ام با آنروز که می بینم شاید یک نفر در این ساعتیکه صحبت میکنم نیست که بگوید پدر قلبش خیال کند که موافق است. اهالی این مملکت هنوز ایرانیت خود را رها ننوده اند ایرانها هنوز زنده اند بر آنها حقوق ملی خودشان را تلفت میشوند و لودر نعت فشار قاهرانه و ظالمانه داخلی و خارجی باری بعد از این مطلب مطابق آنچه که در روزنامه های رعد درج شده مثل این است که آن پیشنهاد از طرف دولت شده و از آن گذشته تلگرافی از طرف وزیر خارجه آمریکا بسفارت ایران مخابره شده که در همان روزنامه یومی رعد باز طبع کرده اند و آن تلگراف را شاید تمام آقایان خوانده اند اگر لازم بشود بنده هم مختصراً آن تلگراف را بر عرض آقایان میرسانم که ملاحظه فرمایند که جدیت و فعالیت شخصی بزرگوار وزیر خارجه تاجقدر بوده و ایشان نسبت بنطق (لرد کرزن) در اروپا چه نطقهای آتشین داده اند که ملت ایران طرفدار قرارداد است. اگر نصرت الدوله خودش را جزء افراد این مملکت می دانست با وثوق الدوله که خودش را یک فرد ایرانی می دانست با سبب ضیاع و غیره و غیره بایستی مثل یک نفر

ایرانی شب و روز زندگانی را بر خودش حرام میکرد و یک چنین قراردادی را در تمام مقامات رسمی اروپا و در تمام نقاط تکتدیب میکرد بر عکس هر صدایی که از اروپا و آمریکا بر علیه این قرارداد اظهار میشد که این قرارداد شما برخلاف ماده ۱۱ قرار داد مجمع بین الملل است و هیچ دولتی نباید دستخوش مرأ و نفوذ دولت دیگر بشود آنوقت ایشان جمدی کنند که آنها را قانع کنند که خیر ابدأ قرارداد مزاحم دولت و ملت ایران نیست و ملت ایران حاضر است آقای لرد کرزن میگوید که شاهزاده در موضوع قرارداد موافقت حاصل نمود که مبنی بر مصالح ایران است ..

نصرت الدوله - دروغ است

سلیمان میرزا - آقای سیدضیاء رفیق خودتان نوشته است من که در اینست اینجا نبودم (در این موقع بعضی از تماشاچیا شروع بکفزدن نمودند)

نصرت الدوله - رفیق شما بود

رئیس - تماشاچیا باید خارج شوند (بیش خدمت باشی بر حسب امر رئیس بقسمتی از تماشاچیا که مرتکب دست زدن شده بودند تکلیف خروج نموده و آنها خارج شدند)

سلیمان میرزا - بنده همانطور که عرض کردم در موقع قرار داد در این مملکت نبودم و فرقی هم نداشت زیرا اگر در مملکت بودم باز مثل دیگران یک حرفی میزدیم کابینه قوی و فعال و قادر قدرت خودش را نشان می داد و بنده را بکاشان یا سوراخ دیگری می فرستاد و او اینکه اینجام که نبودم همان سهم و طالع را داشتم منتهی در سوراخ دیگری هیچ اهمیتی ندارد نمی خواهم متصل تکرار کنم که در حبس بودم زحمت کشیده و صعوبات دیده ام بلکه مکرر گفته ام آن زمان راحت تر بودم ام گوشم چیزی نمی شنید و یادربمای کمتر میشنید بلکه سایر رفتاری من و سایر آقایان نمایندگان خیلی بیشتر از بنده در زحمت و فشار بوده اند زیرا که فشارهایی که خانمان بر انداز است بسیار سخت تر و هولناک تر از آنست که یک شخص بگوید در یک اطاق باش و بیرون میا انصاف می دهم نمی خواهم یک اهمیتی بدهم که حبس شده ام خیر آقایان که آزاد بوده اند بیشتر از من در زحمت بوده اند آقای نصرت الدوله فرمودند بنده دروغ می گویم از برای اینکه عرض کنم بنده دروغگو نیستم محتاج بتذکارم زیرا که سابقه را زندگانی بنده از ازل مشروطیت دوره با حضرت والا اینکه اینجا نشسته اند معلوم است من والی کرمان نبوده ام که آدم بکشم من در زمان محمدعلیشاه اقدامات نکردم من همیشه طرفدار مظلوم بوده ام و همیشه از ظالمان که حضرت والا یکی از آنها بوده اند تو سری خوردم بنا بر این بنده دروغگو نیستم زیرا که همیشه فریاد میزد و میزنم ایران و ایرانی باید همیشه در فکر ترقی خودش باشد اگر چه نباید خارج از موضوع شوم ولی مختصری عرض می کنم مملکتی که معارف نداشته باشد انتخاباتش درست نمیشود اشخاص دروغگو بار می آورد ولی بنده دروغگو نیستم عملیات بنده سابقه زندگانی بنده

همه معلوم است البته پسر عموی محترم (بقول ابوی بزرگوارشان) وقتی خودشان نظر بفرمایند خوب میدانند ایشان قرار داد بسته اند بنده برای باره کردن قرارداد ملعون فریاد میزنم ایشان سابقه ها داشتند که آقای مدرس میفرمایند مسلمان شده اند توبه کرده اند ایمان آورده اند و بنده بجهت الله محتاج بتوبه نبوده و نیستم اگر اوراق تاریخی زندگانی هر دو مان را در یک ورقه بگذارند حق از باطل شناخته شود بجهت الله شناخته شد و توبه هم داده شده محتاج به تذکار نیست با یک فرمایش ایشان که بنده دروغگو نباشم و بعد از آنچه را هم که بنده عرض کردم از قول خودم عرض نکردم عرض کردم کابینه و وثوق الدوله ۳ نفر عضو آمر و رسمی داشت که وزیر بودند یکی خود وثوق الدوله بوده یکی شاهزاده صادم الدوله یکی شاهزاده نصرت الدوله که این دو نفر از شاهزادگان این مملکت و از خانواده این بنده بودند که باید بیشتر باز همه لا اقل برای اینکه تاج و تخت در خانواده آنها است برای استقلال این مملکت کوشش کنند و متأسفانه از همه عکس بیشتر طرفدار این قرارداد میشوند ملعون بودند و این قرار داد خانمان بر انداز ایران خراب کن را تصدیق کردند و ناشر افکار ایشان بگانه حامی ایشان قلم مدافع ایشان قلم آقا سید ضیاء الدین بوده حالا آقای سیدضیاء الدین رفیق ایشان بوده یا رفیق بنده؟ این رفیق عزیز و آن یار گرامی در موقع قدرت و اقتدار ایشان یعنی در موقعی که هنوز در سر ریاست وزرائی نرا نشان نشده بود که حبشان کند و بالاخره در موقعیکه بره ایشان چیز بنوشته در روزنامه آنرا مطالب را راجع بنطق لرد کرزن نوشته اگر راست نوشته او نوشته و اگر دروغ نوشته او نوشته بنده چه مربوط است بنده نقل قول میکنم باید از این مسئله بگذریم مسئله این است بعد از آنکه باتفاق بدون هیچ تردیدی همه تصدیق می کنیم که این قرارداد برخلاف مصالح دین و بزرگترین ضررات کشته و مهلکی است که بر پیکر مملکت و وطن عزیز ما وارد آمده است آنوقت تازه در مقابل این بعضی حرفها می شنوم که تا امروز نشنیده ام و آن این است باوجودیکه این مسئله را اقرار داریم که حکومت ملی زده است و یکی از آن دستهای قوی که بر پیکر وطن شمشیر کشیده شاهزاده نصرت الدوله بوده است تازه امروز آقای مدرس بطور تردیدی گویند ما اینکار نداریم ولی شاهزاده نصرت الدوله میگوید من از خطا های گذشته ام صرف نظر کرده ام امروز برخلاف گذشته اقدامات خواهم کرد در صورتی که این فلسفه را یک اصول منطقی نمی شود فرض کرد که آقای مدرس میفرمایند شاهزاده نصرت الدوله توبه کرده اند پس در دنیا هیچ مجازاتی لازم نیست آن وقت هر جانی و هر مقصری بیای معا که رسید و در اظهار می کند استغفر الله ربی و اتوب الیه پس قانون مجازات برای چیست؟ من یکبار را کشتیم. اگر من یکی را کشتیم (در صورتیکه مملکت کشتن محققانهم

تر از شخص کشتن است) من اگر یکی را کشتیم خدای نکرده در وقتیکه مرا بیاورند به محکمه عدلیه و آقای مدرس هم حاکم قضیه باشند و بگویم آقایان تقصیر کرده ام قول میدهم که من بعد آدم نکشتم آیا هیچ محکمه عدلیه هیچ قاضی عدالتی می تواند ببرد و ورته مقتول بگوید که شما از آن صرف نظر کنید این شخص گفته است که دیگر از اینکار ها نمی کنم. راست یا دروغ توبه می کنم این فلسفه غریبی است و بعد از در قانون انتخابات ذکر شده (اشخاصیکه بر خلاف حکومت ملی قیام و اقدام نموده اند) و خود آقای مدرس هم این مسئله را تصدیق میکنند آما و صدقاً که آقای مدرس در مسائل منی همیشه زحمت کشیده اند و صدمات ایشان محقق است و هیچ جای شبهه و تردید نیست اما این فلسفه را بنده نمی توانم بفهمم که بچه ترتیب یک کسیکه یک تقصیر قطعی و حتی را مرتکب شد در موقع مجازات همین قدر که اظهار کرد نادم هستم مجازات از او سلب خواهد شد این را بنده نمی دانم شاید یک ترتیب شرعی برایش باشد اگر این مسئله مدرکیت دارد آیا بر تمام اشخاصی که بر خلاف حکومت ملی قیام و اقدام کرده شامل است یا تنها بشخص نصرت الدوله مربوط است؟ این شخص و هشتاد کسری که فرمودند موافق قرارداد بوده اند بنده هم می گویم و آرزو می کردم و میکنم که یک روزی برسد که وطن عزیز ما انشاء الله مقتدر شود که این اشخاص را یکی یکی بیاورد پای معا که و معا که نموده و مجازات بدهد. اگر باینکه بگویند خلاف کرده ایم و خیانت کرده ایم و توبه کردیم معاف می شوند از حالا هم میگویند ما پشیمان شده ایم دیگر البته معا که نخواهند داشت و آن اشخاص از امروز خردشان را راحت می کنند که زحمت آنروز را نداشته باشند ولی بقیه بنده این حرف جبران خلاف اولیه را نمی کند باز هم یادآوری میکنم هر چند در مجلس نبودم ولی از برای من راپورت ها را فرستاده اند در راپورت های بعضی شعبه ها نسبت بیمی و کلاچین نوشته اند (که این شخص در موقعیکه انتخاب شده چنین کرده اگر قبل از انتخاب معلوم بود ولی چون بعد از انتخاب این عمل را کرده است معلوم نیست این ماده قانون شامل او می شود یا خیر؟) بنده عرض می کنم بعد از انتخاب هم این عمل را کرده باشد ظاهراً اعتبارنامه اش باطل است چنانچه رأیی که در جلسه قبل مجلس نسبت بیک نفر داده این مطلب را میشود از او استنباط کرد که بطور نیم رسمی مجلس شورای ملی این ماده را تفسیر کرده و یک سابقه پیدا شده خواه قبل از انتخابات خواه بعد از انتخابات یک شخص ایرانی که بر علیه حکومت ملی اقدام کرده از وکالت محروم میشود در صورتیکه ما اظهار میکنیم ایشان بر علیه حکومت اقدام کرده اند یعنی این قرارداد بر علیه حکومت ملی است و کابینه و وثوق الدوله کارهایش همانطور که آقای

طباطبائی فرمودند برخلاف اصول قانون اساسی بوده است حالا آن نقش را که شعبه ها خواسته اند و نوشته اند که اگر بعد از انتخاب باشد باید تعیین کرد که تکلیف چیست در مورد ایشان موضوع ندارد بجهت اینکه همان ساعتی که انتخاب شده اند فاقد جزء نهم ماده هفتم قانون هفتم قانون انتخابات بوده اند یعنی بر علیه حکومت ملی قیام و اقدام نموده در آن تاریخ هم ایشان هنوز نائب نبوده اند و اگر توبه کرده اند بعد از توفیق جبری یعنی بعد از حبس رفیق خودشان آقا سید ضیاء الدین بوده و در مجلس توبه کرده اند یعنی در موقعی که ایشان راهم در جزء اشخاص کوچک و بزرگ حبس نمودند حتی شنیدم دو نفر بچه های بی گناه چهارده ساله و پانزده ساله مدرسه را هم حبس کرده اند در ضمن حضرت والا را هم حبس کرده اند در دوره دوم می گفتند طهران جزء مطهر است اگر مجلس آقای سیدضیاء هم جزء مطهر است نمیدانم انشاء الله آنهم جزء مطهر است اما مخالف نیستیم ولی مقصود این است که آن توبه را در آن مجلس کرده اند در آن ساعتیکه موکلین و رفقه های تعرفه های خودشان را در کرمانشاهان بنام نامی شاهزاده نصرت الدوله در صندوق آراء میریختند آنوقت ایشان نائب نبوده اند و برخلاف حکومت ملی معا هدرا امضاء کرده بودند و دارای شرط انتخاب شدن نبودند این مسئله مثل کسی است که در آن تاریخ سن باو اجازه نداده باشد باو تعرفه داده باشند حالا که چهار پنج سال گذشته نمیتوانیم بگوئیم آنوقت دو سال سنش کم بود حالا سنش تقاضا میکند حالا که الحمد الله ماشاء الله بزرگ شده دیگر چه اشکالی داریم ایشان آنوقت هم نائب نبوده بجهت الله که حالا نائب هستند ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین. آما و صدقاً اما توبه ایشانهم مثل توبه همه ماها میباشد که در بین نماز که میخوانیم میگوئیم استغفر الله ربی و اتوب الیه و بقول یکی از رفقا قصد انشاء نداریم و شاید در عین همان حال و همان ساعت همان تقصیر یا شبیه آن تقصیر را میکنیم. ببخشید اگر زیاد عرض کردم نمیخواهم اظهار فضل کرده باشم البته آقای مدرس بهتر از بنده میدانند اگر رجوع کنیم بکتاب مقدس نهج البلاغه در قسمت ثانی از خطب شخص اول عالم اسلام حضرت امیر المؤمنین (ع) ملاحظه خواهد شد که شخصی حضور مقدسشان عرض کرد استغفر الله ربی و اتوب الیه فرمودند شکلت امک آیا معنی استغفار را میدانی و میگوئی استغفر الله ربی و اتوب الیه؟ عرض کرد قربانت بروم معنی استغفار چیست فرمودند استغفار هفت شرط دارد یکی از شرائطش این است که آن گوسنتیکه در معصیت خداوند در بین روئیده شده است باید آن قدر در راه عبادت و ریاضت خداوندی مصرف شود که چیزی از آن باقی نماند و پوست و گوشت و استخوان مجدداً برود و سایر شرائطش که ذکر شده آنوقت حق دارد بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه و الله آنوقت خداوند آن توبه را پذیرفته و قبول میکند و هیچشک البته ما هر چه

بگوئیم بخششمان زیاد است بدرجه گذشت و بخشش خداوند رحمن و رحیم نخواهد رسید . خداوند عمل میخورد والا بنده هم با آقای مدرس مخالفتی ندارم نمیخواهم نمودن الله سبب شوم کسیکه دست بطرف ایران دراز میکند و میگوید من الان باشمار برادرهستم دست خود را بکنم معاذ الله منم دست برادری بطرف ایشان دراز میکنم چرا ؟ کیکنفر ایرانی هستند در صورتیکه این توبه خودشانرا بعمل پس از چندی اثبات میکنند تصدیق میکنم گایشان یک عضو فعال و تحصیل کرده با اطلاع و جدی هستند و تمام صفات کار کردن در ایشان هست بنده که طرفدار معارف هستم میل دارم که همه ایرانیان تحصیلشان باندازه ایشان باشد اما هیچوقت آرزو نمیکند که عملیاتشان مثل ایشان باشد یعنی تا چند روز قبل عملیات ایشان انصافاً خوب بود این چیزی نیست که بتوان آنرا یرده پوشی کرد والا بنده هیچ خیالی ندارم و نمیخواهم یک اشکال تراشهایی بکنم والا وقتی که شروع به مذاکره انتخابات میشد میتوانستم حرف بزنم و بی اطلاع هم نیستم که انشاهائی ما هم اکثرشان باینده رفیق هستند ابله - شجاری هم که انصافاً بزرگترین خدمتگذار مملکت است در موضوع شخص بنده کمال همراهی را داشته اما دیده جریان این انتخابات مثل جریان سایر انتخابات ایران است آنوقت که آقای رئیس فرمودند راجع بجرایان انتخابات حرفی دارید بنده اگر میخواستم اعمال بکنظریات خصوصی بکنم مثل حالا میتوانستم ساعت آقایان را معطل بکنم ولی نمیخواستم در این موضوع صحبت بکنم البته اعتراضی یک اشکالی دارد ولی چون در برای همین منبر نطق دودعه بفرآن قسم خورده ام که حافظ حقوق ملی ایران باشم و حقوق ملت ایران را مطابق قانون اساسی و قوانین دیگر حفظ کنم این است که میبینم یکی از قوانین یکی از حقوق اصلی ملت را ایشان خراب کرده اند باینجهت بنده با ایشان مخالفت دارم و بحق میدانم بخودم از طرف دیگرها بطوریکه آقای مدرس فرمودند توبه ایشان را بنده هم موافق و قبول میکنم و دست بطرف ایشان دراز میکنم اما بعد از اینکه عملیات سابق خودشان را ترک بگویند بطوریکه خدمات ایشان را بعد از چندی کسی نتواند تردید بکند خدمت به ملت هم تنها و کالت مجلس شورای ملی نیست ممکن است این مسئله را رجوع بکمیسیون بکنند بنده نظریه شخصی ندارم و نظریه شخصی بنده جز عماده مفتی قانون انتخابات است و چون ایشان برخلاف حکومت ملی اقدام کرده اند بو کالت ایشان رای نمیدهم حالاً میگویم سر تلگراف لایتنر خیلی کوچک است یک مسئله دیگر هم که ضمیمه قرار داد است راجع بمالیه بدیعت این مملکت است که باز امضاء شده و در این جریان نیست و این است یکی از خدمات کابینه و توفیق الدوله که بعد در موقع دیگری خواهم خواند و اگر مصلحت میدانند حالا بخوانم . (بعضی اظهار نمودند بخوانید)

نصرت الدوله - همه را بخوانید .

سلیمان میرزا - شماره ۱۲۹ روزنامه رعد یعنی آقا سید ضیاء الدین مقاله نوشته اند که مختصراً

عرض خواهم کرد - (حقیقت چیست - حقیقت گویی است)

رئیس - آقایان مایل به تنفس نیستند ؟ که چند دقیقه تنفس شده دوباره آقای سلیمان میرزا نطق میکنند .

(بعضی اظهار نمودند تلگراف را بخوانند بعد (بعضی من ذیل قرائت نمودند)

اینک ابلاغیه سفارت امریکا - از طرف سفارت امریکا مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۱۹ نظر بصلح غیر واقعی که در مقاله مورخه نوزدهم اوت روزنامه رعد راجع برویه (ریزیدانت ویلسن) و مأمورین صلح امریکا و مملکت آنازونی نسبت بایران مندرج بود مقتضی است ابلاغیه که از واشنگتن صادر شده است تقدیم دارد - طهران - سفارت امریکا دولت آنازونی بشما تعلیم میدهد نزد زمامداران ایران و اشخاص علاقمند این مسئله را تکفیب نماید که دولت آنازونی از مساعدت نسبت بایران امتناع ورزیده است امریکا همواره علاقه خود را برای سعادت ایران بطریق بسیار اظهار و ابراز داشته نمائند گانیکه از طرف دولت آنازونی در کمیسیون صلح پاریس عضویت داشته اند مکرر کوشش و مجاهدت کرده اند سخنان نمایندگان ایران را در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند نمایندگان امریکا متعجب بودند چرا مجاهدات آنها بیش از این بتقویت و مساعدت تلقی نمیشود لیکن اکنون معاهده جدید معلوم میسر دارد که به علت امریکائیها قادر نبودند سخنان نمایندگان ایران را باصفا برسانند و نیز معلوم میگردد که دولت ایران در طهران با مساعی نمایندگان خود در پاریس مساعدت و تقویت کافی ننمود . دولت آنازونی معاهده جدید ایران و انگلستان را با تعجب تلقی مینماید . معاهده مزبوره معلوم میدارد با وصف آنکه نمایندگان ایران در پاریس علناً و مؤکداً طالب مساعدت و همراهی امریکا بودند ایران از این بعد مایل بکمک یا تقویت امریکا نمی باشد .

سلیمان میرزا - باری این مراسله سفارت که روزنامه رعد در این شماره درج کرده و آقای طباطبائی هم مختصری اظهار کردند شاید اثبات می کند که این بهیشتی که اول از طرف کابینه و توفیق الدوله باروفا رفت و مشارالیه را رئیس آنها بود بعضی اقدامات کردند و شاید آن هیئت در آنجا بانمایندگان امریکا بعضی صحبتها کرده باشند و بعضی دیگر شکایاتی از آنها بدولت ایران کرده باشند مطابق این تلگراف امریکا با آنها همه قسم در کنفرانس صلح بین المللی مساعدت کرده و لایتنر قطع دیده اند که این کار از آنها پیش نیروود و آنوقت هنوز معاهده بین دولین در جریان خصوصی بوده بعد که معاهده بین آمده آمریکائیها استنکاز میکنند که علت اینکه نمایندگان ایران با وجود تقویت دولت بزرگی مثل امریکا در آنجا کارشان پیش نمیرفت از طهران بآنها کمک میشده و این کمک هم از طرف وزیر خارجه بوده او کمک میکرد و شاید

میتوان گفت مسئله قدری عملی نایت شده بعد از اینکه وزیر خارجه باروفا رفته اند هیئت را تغییر داده اند و معزول کرده اند باری اینها بصورت است اما راجع بضمیمه قرارداد شاید آقایان شنیده باشند و بنده نشنیده باشم نمیدانم بهر حال بنده نسخه فرانسه را بدست آورده ام و خودم ترجمه کرده ام اگر در ترجمه آن تغییر و قصوری شده است شاید بواسطه بی اطلاعی بنده از فرانسه بوده است (متن قرارداد مالیه) به بیستم آقایان چه بلائی برسرا در آورده اند در آن تاریخ هم که هنوز توبه نکرده بودند .

۱ - دولت انگلیس قبول مینماید یک قرضه دو میلیون استرلینگ با قسط در تاریخی که توسط دولت ایران تعیین میگردد پس از آنکه مستشار های مالیه دولت انگلیس در تهران شروع بکار نمایند بدولت ایران مطابق قرار دادیکه در فوق پیش بینی گردیده بدهد و وجهاتیکه مطابق ماده ۱ تا تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۲۱ داده میشود ۷ در صد تنزیل بدهد و پس از این تاریخ هر ماهه بمبالغ لازمه را برای پرداخت اصل و منافع از قرار ۷ در صد تا مدت ۲۰ سال بپردازد ۲ - دولت ایران متعهد میگردد که برای کلیه وجوهاتیکه مطابق ماده ۱ تا تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۲۱ داده میشود ۷ در صد تنزیل بدهد و پس از این تاریخ هر ماهه بمبالغ لازمه را برای پرداخت اصل و منافع از قرار ۷ در صد تا مدت ۲۰ سال بپردازد ۳ - تمام عایدات گمرکی که بموجب کتبرات ۸ مه ۱۹۱۱ برای تأدیه قرض ۱۲۵۰۰۰۰ لیره تخصیص داده شده بود برای پرداخت قرض حاضر تخصیص داده شده با ادامه تمام شرایطی که در کتبرات مذکور بعمل آمده است با حق تقدم از تمام قروض با استثنای قرض ۱۹۱۱ و مساعدت هائیکه بعد ها توسط انگلیس داده میشود . چنانچه عایداتیکه در فوق ذکر گردید کفایت ننماید دولت ایران متعهد می شود بمبالغ لازمه را بوسیله عایدات دیگری تأدیه نماید و برای این مقصود دولت ایران بموجب مراتب حاضر برای این قرض و مساعدتهای دیگر که در فوق ذکر شد با حق تقدم وادامه دادن شرایطی که در فوق تعیین گردید تمام عایدات گمرکی کلیه مناطق را تا حدیکه در تحت اختیار خود دارد تخصیص میدهد .

۴ - دولت ایران حق دارد هر موقعی که خواسته باشد قرض حاضر را بوسیله قرضه دیگری از دولت انگلیس بپردازد ۹ اوت در طهران بمضاء رسیده است .

نصرت الدوله - در همان موقع چاپ شده است .

سلیمان میرزا - بنده عرض کردم و اول عرض را خواستم که نمیدانم باز اینجایک قدری دیگر هم هست اگر اجازه بفرمایند آنرا هم بخوانم کاغذ ثانی سرپرس کا کس بعنوان رئیس الوزراء مورخه ۹ اوت ۱۹۱۹ در خصوص مبحث دومی که در کاغذ سابق اینجانب مورخه امروز ذکر گردید در بین دولین توافق نظر حاصل گردیده که از طرفی دولت انگلیس مطالبه مخارج نگاهداری قشونی را که بواسطه عدم

استطاعت دولت ایران از حفظ بیطرفی خود مجبور بوده است بایران اعزام دارد نمینماید . و از طرفی هم دولت ایران مطالبه خساراتیکه وجود قشون مزبور در خاک ایران موجب میگردد نخواهد نمود . واضح است که این قرارداد فیمابین تقاضاهای اشخاص یا مؤسسات را که کجا گانه در تحت مطالعه گذاره میشود لغو نخواهد کرد . یک یادداشت از طرف حضرت اشرف بنام دولت ایران که حاکی از قبول این قرارداد داد باشد برای عقد قرارداد دولین کفایت خواهد کرد .

سلیمان میرزا - این است آنچه گذشته است بر سر مملکت بدیعت ما در کابینه و توفیق الدوله اگر دوسیه های خصوصی وزارت خارجه در دست باشد خیلی از این تلگرافات قشک را شاید بخوانیم بارها گفته شده که این قرارداد منحوس لغو شده و بنده تا حال اسمی از این قرارداد مالیه نشنیده بودم و حالا فرمودند چاپ شده بنده نمیدانستم حالا میشتوم البته آن قرارداد که لغو شده ضمیمه اش بطریق اولی لغو است ولیکن چون این راجع بمالیه است و از وظایف حتمیه عموم و کلاسات و حتی و بنده هم که اعتبارنامه ام هنوز نگذشته چون مدعی الو کاله هستم عرض میکنم وظایف عموم و کلاعات که در عمل مالیه مداخله بکنند بنده استدعا دارم از تمام آقایان رفقای خود که یقین دارم با بنده هم عقیده هستند بصدای بنده فریاد کنند که این قرارداد و سایر قراردادهای لغو و ملغی و بهیچوجه رسمیت بآنها داده نشود و ساقط است (جمع کثیری تصدیق کردند) و مجلس شورای ملی باتفاق کلمه این نوع قراردادهای را منظور میداند و عملاً او را لغو و در اولین امکان بر بطلانش رای خواهد داد .

مدرس - توضیح دارم .

رئیس - ده دقیقه تنفس میکنیم بعد از تنفس توضیح بدهید .

مدرس - خیلی مختصر است .

رئیس - بفرمایند .

مدرس - هر چند شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن فرمایشاتشان مطلب مرا یک تعویبان دیگر فرمودند : اولاً بنده عرض کردم که این ۱۸۴ نفر موافقین قرار داد باید در محکمه محاکمه بشوند ! مقصر ! قاصر ! کاسب ! عمه ! معین بشود و بهر کس بقدر تقصیر مجازات داده شود بنده منکر مجازات نیستم شایه میفرمائید مجازات . مجازات میگویم این ۱۸۴ نفر را با عملیاتشان ضبط کرده ام که اگر یک مجلس شورای ملی برپا شود و یک حکومت ملی پیدا شود اینها را باید در تحت محاکمه بکشند اما مقصر مجازاتی دارد . سیاسی مجازاتی دارد . قاصر مجازاتی دارد ناطق مجازاتی دارد . ساکت مجازاتی دارد پس آترا باز تکرار میکنم که مقصر باید مجازات شود توبه کرک مرک است میگویم یک دولتی یا از روی تقصیر یا از روی قصور خواست بعقیده خود یک قرار دادی بکنند و ملت هم آمدم و فریاد زدند مضر است مضر است عاقبت بیشرافت با ملت ضعیف شد این دخلی

بقانون انتخابات ندارد دخلی بصلاحت ندارد دخلی بقیام و اقدام بر ضد حکومت ملی ندارد دوست داریم که حضرت والا امروز که بمجلس آمده و انشاء الله همانطور که سی ماه با هم درس فرودیم بسادگی با هم داخل سیاست شویم انشاء الله مفاصله و مشبه کاری نکنند شاید مردم خیال کنند که مجلس خیلی بد است ولی بعقیده بنده باین بدیها که مردم خیال میکنند نیست امید است باتفاق کار های بزرگ و سیاستهایی که شما هم میدانید نسبت بخارجه و داخه ازلاستیک در آمده مجدداً عرض میکنم مذهب من اجازه نمیدهد که مقصراً نباید مجازات داد میگویم محکمه که رسیدگی بکند که آقای و توفیق الدوله عن تقصیر یا عن قصور این قرارداد را پس تفهید و پیش بینی نکرد که این قرارداد هم از برای ماضر است و هم برای همایگان نتیجه او بر همسایگان این شد که تمام ایرانیان از انگلیس مکدر و متضرر شدند و ما هم فهمیدیم که بدیانت و استقلال ما ضربه دارد لهذا جلوگیری کردیم اگر دولتی قراردادی ببندد بر خلاف صلاح مملکت نمیتوان او را مصداق اقدام برخلاف حکومت ملی قرار داد هیچ مناسبت ندارد . (جمعی گفتند صحیح است) خواهش دارم اگر حضرت والا بقدر من آقای نصرت الدوله را نمیخواهند اسم دیگری رویش بگذارند غیر از اینکه قیام و (اقدام بر ضد حکومت) ملی نمودند اظهار دیگر بفرمایند من و حضرت والا مهاجرت کردیم به نیت خوب نتیجه بد درآمد تقصیر ما چه بود در بیابانها در جنگلها در دریاها سفر کردیم ما در جنگلها بلوط هم میخوردیم بامیدواری اینکه نتیجه او خوب شود چکنیم خدا نخواست تقصیر باکی است خدا شاهد است بایک عقیده صاف و پاکی بدولت و ملت رفتیم که چیزی برای ملت بیاوریم ولی نشد . و توفیق الدوله با رفقای خود پیش بینی نکردند که اینقرار داد مضر بدیانت و استقلال این آب و خاک است من و امثال من در همان ساعت اول این ضرر را ادراک کرده و عموم ملت موافقت کردند آقای طباطبائی که فرمودند قرض کردن و امتیاز دادن و و اقدام بر ضد حکومت ملی است خوب است دولتی را معرفی نمایند که برخلاف این مواد رفتار نکرده تا ما بگوئیم این اقدام بر ضد حکومت ملی است (گفته شد صحیح است) اشکالات راجع بانتخابات که فرمودند جواب آنها با آقای حاج شیخ اسدالله است اهتمام من بمسئله سیاست است که نصرت الدوله بجهت موافقت با قرار داد و صلاحیت و کالت مجلس شورای ملی خارج میشود یا غیر حضرت والا فرمودند قسم خوردیم من قسم خورده و قسم نخورده غیر واقع را نمیگویم نه اقدام میکنم و نه قبول میکنم .

رئیس - آقای مدرس باسم توضیح یک نطق مفصلی فرمودند ده دقیقه تنفس است .

(در این موقع آقایان نمایندگان از مجلس خارج شده و پس از یک ربع ساعت مجدداً مجلس تشکیل شد)

رئیس - قصد بنده این بود که بعد از تنفس

مذاکرات اعاده شود بخیال آنکه امروز بخت مسئله مطرح مذاکره بود موفق بشویم ولی معلوم میشود که عده آقایان ناطقین زیاد است اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای روز سه شنبه .

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد میکنم فردا باشد .

رئیس - عده برای گرفتن رأی کافی نیست موافق معمول هم دوشنبه تعطیل است اگر آقایان موافق باشند بماند برای روز سه شنبه . یک مسئله دیگر را هم میخواستم به آقایان تذکر بدهم و آن این است که چنانچه ملاحظه فرمودید این دو جلسه گذشته هیچ شباهتی بسایر مجالس نداشت و بنده عمداً از اجرای حدود و نظامات و اختیاراتیکه در نظامنامه قید شده صرف نظر کردم برای اینکه گفته نشود مانع آزادی نطق شده ام و میخواستم تمام مطالب گفته بشود ولی از آقایان عذر میخواشتمند از بعضی عبارات که ممکن است سوء تفسیر بشود خودداری بفرمایند چون لفظ آدم کشی و بعضی عبارات دیگر گفته شد و بنده خیلی مایل هستم اینطور تصور بکنم که از روی اشتباه بوده و حاکی از حسبات آقایان ناطقین نبوده امیدوارم در جلسات دیگر رعایت این نکته کاملاً بشود که بنده مجبور نشوم متوسل بمفاد مواد نظامنامه داخلی بشوم و همانطوریکه دلخواه خودم است میخواهم طوری باشد که کاملاً از روی آزادی مطالب هر چه هست گفته بشود . جلسه آتی را هم عرض کردم روز سه شنبه ۲۷ چهار ساعت قبل از ظهر خواهد بود .

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۶

صورت مشروح مجلس صبح یوم سه شنبه ۲۷ ذی قعدة ۱۳۳۹ مطابق دهم اسد ۱۳۰۰

مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

رئیس - صورت مجلس قرائت میشود (آقای مستشار السلطنه صورت مجلس را قرائت فرمودند)

رئیس - راجع بصورت مجلس مخالفی هست یا نیست ؟

حاج شیخ اسدالله - راجع بخروج نمایندگان از مجلس برای تنفس اجازه رئیس بوده توبه میل خودشان .

رئیس - تنفس بر حسب میل مجلس است نه بر حسب اجازه بنده

مدرس - نسبت به توضیحی که در آخر مجلس عرض کردم در صورت مجلس هیچ اشاره نشده است .

رئیس - این صورت خلاصه است توضیحاتی که فرمودید در صورت مشروح مجلس نوشته اند از ظهر به بعد در اطلاق تنفس حاضر خواهد بود هر یک از

آقایان بخواهند به نطق خودشان مراجعه و اصلاحاتی بفرمایند آنجا حاضر است ولی در صورت مجلس تمام مطالب را نمی شود نوشت دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خبر).

رئیس - صورت مجلس تصویب شد در جلسه گذشته جمعی از آقایان اجازه نطق خواسته بودند ولی امروز همان آقایان اجازه خواستند که قدری تقدیم و تأخیر در اسامی هست چون مخالف و موافق شود حالا اگر آقایان می خواهند به ترتیبی که در سابق اجازه گرفته بودند نطق کنند آنطور رفتار بشود و اگر مایل اند به ترتیبی که امروز نیز اجازه گرفته اند این ترتیب باشد و گمان می کنم چندان تفاوتی نداشته باشد (بعضی تصدیق کردند).

آقای سید یعقوب - اجازه بفرمائید که...

رئیس - چه میفرمائید.

آقای سید یعقوب - بنده اجازه نداده ام راجع بچه مسئله است.

آقای سید یعقوب - راجع باین ترتیب که فرمودید امروز اجازه خواسته شده است بنده مسبوق نیستم.

رئیس - آروز اینطور اجازه خواسته شده بود آقای ملک الشعراء - سردار معظم - نصرت الدوله - سلیمان میرزا - طباطبائی - ترتیب امروز این طور است نصرت الدوله - سردار معظم - حاج آقا آقا سید فاضل - آقا سید یعقوب - سلیمان میرزا - طباطبائی. **سلیمان میرزا** - ترتیب اجازه الهیه همین طور است که مرقوم فرمودید ولی بنده لازم نمی دانم این مسئله را خاطر نشان کنم که موافق نظامنامه داخلی همیشه موافق و مخالف یکی بعد از دیگری نطق میکنند طبیعی است که باید این نکته مراعات شود در اینصورت که خوانده شد چند موافق مقدم بودند که مخالف هم بدارم عرض می کنم که...

رئیس - اول آقای نصرت الدوله نطق میکنند و بعد چون گمان می کنم آقای سردار معظم و آقای حاج آقا و آقا سید یعقوب و آقا سید فاضل موافق هستند و بعد از یک موافق آقای طباطبائی.

نصرت الدوله - در پندو مناقشه لازم میدانم بگویم چقدر متأسفم از اینکه در اول افتتاح دوره چهارم مجلس و قبل از این که این مجلس برسمیت دادر شود و موافق باقایی چند فقره از وظائفی بگذرد که این ملت با کمال نگرانی انتظار او را دارند باز در این مجلس هیولای مهیب کشمکش های شخصی و انتزاعی های سیاسی و بالاخره زودخوردها از برای احراز مقام عرض اندام میکنند تأسف من بیشتر برای این است که من مورد حمله و من مورد تظاهر این قضیه و اعتبارنامه من بهانه شده است در هر حال با گذاردن

مسئولیت بعد از آنهایی که این باب را افتتاح کردند و مقدم در این امر شده اند چند کلمه ساده از برای دفاع خود می خواهم عرض بکنم این دفاع بیشتر معطوف به مسائل خصوصی که راجع بخودم است خواهد بود در مسائل سیاسی دفاع را به رفقای خود واگذار میکنم زیرا آنها بیشتر با خونسردی قادر به محاکمه این قضایا خواهند بود در مقدمه اجازه می خواهم با کمال ادب به حضرت آقای مدرس عرض کنم که با طرز نطق پربروز ایشان موافقم نیستم و بعد داخل در مدافعه خود میشوم راجع بآن قسمتی که مربوط بچربان انتخابات و تطبیق او با قانون بود مداخله نمی کنم فقط یک گوشه در نطق آقای طباطبائی بود راجع به وجود یک کمیسیون انتخاباتی در زمان آقای وثوق الدوله و مرا هم عضو آن معرفی کرده اند و این مسئله را تکذیب میکنم بنده هیچ وجه اطلاع از وجود چنین کمیسویی نداشته و ندارم حال اگر در موقع انتخاب خودشان اطلاع از وجود چنین کمیسویی پیدا کرده اند نمیدانم اما راجع به صلاحیت شخص خود من و اعتراضاتی که بآن میشود اولاً می خواهم نظر آقایان را بخواهم به نطق آقایان معترضین بکنم و متذکر شوم که حتی در پارلمان و حتی در موقع مهمی که سیاست شش ساله دوره فترت مطرح است و سخن از آن رانده میشود حتی در موقعیکه اعتبارات یک نفر از وکلا در معرض حمله و هجوم است حتی در موقعیکه در نتیجه این قضاوت حکم صادره از این مقام به تمام زمامداران این دوره طولانی فترت تطبیق خواهد شد (گفته شد صحیح است) در یک همچو موقع مهمی باز مسائل بتقریب و باهم و بالاخره باشتباه کاری میکنند عجالتاً برای محاکمه یک چنین امر مهمی آقایان اولاً انشاء یک اصل از طرف خودشان میکنند راجع بامضای قرارداد و بعد خواندن تلگراف دولت آمریکا را بفرات خود مدرک تعقیقات خودشان قرار میدهند و برای قطعات این نطق عجیب به هدایت من در اروپا استشهاد میکنند بدون اینکه بدانند یا بگویند من چه کاره بودم عملیات من در چه مسائل بوده است چه کردم اطلاعات آقایان بدرجه از روی تحقیق است که شاهزاده سلیمان میرزا مرا قبل از رفتن باروپا وزیر خارجه فرض کرده و اعتراض میکنند چرا با هیئت اعزامیه که در تحت ریاست مشاور الممالک باروپا رفته بود همراهی نکردی و با آنکه یک ورقه را که در موقع خودش چاپ شده با اطلاع عموم رسیده دست میگیرند و با یک همه مهیب و خطرناکی و با یک عظمت فوق العاده اظهار میکنند که من این ورقه را در مجلس مخفی خواهم خواند مخفی بعد از چاپ آنهم چه فراری قرار بیکه بموجب اراده امضاء کنندگان همان قرار بموقع اجرا گذارده شد این است آقایان متأسفانه طرز اخلاقی ما و با این وضعیت می خواهم امور خودمان را اداره کنیم و در مقابل هجوم و معاطره دشمن های

قوی بکنه خارجی خودمان با این اخلاق می خواهم مقاومت کنیم این است وضع محاکمه کردن ما در طی مذاکرات چند دفعه شاهزاده سلیمان میرزا به دوسه های وزارت خارجه اشاره میکنند بلی منم مایلیم که آن دوسه ها در مرکزی ملاحظه و بادوسه های دیگری مقایسه شود من مدعی هستم که در موقع مأموریت خودم در اروپا که از نقطه نظر سیاسی ریاست هیئت اعزامیه دولت ایران به کنفرانس صلح عمومی و مسائل مربوط به مجمع بین المللی بود خدماتی به این ملک کرده ام که باید قدر بشناسید ولی افسوس که باز بر سر هیچکس در این مدت از من نرسید که کجا رفتم کجا بودم چه گفتید چه شنیدید باری از این کلیات بگذریم و به تهمت ها و افتراهای دیگری هم که در ضمن مذاکرات با نیش های زهر آلود پرتاب میشد بمصدق مروا کرمانا مراجعه نمی کنم حتی شاهزاده سلیمان میرزا را هم متذکر نمیکم که همدوش و هم صدای با آقای طباطبائی و شرکای ایشان بن رفیق سیدضیاء میگردد اگر من مثل همه شاهان قبل از این قضایا با او آشنائی با رفقا داشتم آقای طباطبائی و شرکای ایشان رفیق آقای سید ضیاء الدین در کابینه سپهبد و کبته ها و در حکومت کودتا بودند (صحیح است).

این مسئله از مسائلی است که محتاج بدلیل و برهان نیست و از هر بجه که در این شهر شوال

کرده اند مراجعه تان بدهم بروزنامه تان مورخه ۱۱ اکتبر ۱۹۱۹ در آنجا خواهید دید که من علناً و رسماً با صدای بلند در تمام اروپا در معرض افکار عمومی دنیا گفته ام که این قرار داد که بسته شده مابین کابینه وثوق الدوله و دولت انگلیس قرارداد موقتی است و قطعیت او موکول به تصویب مجلس شورای ملی است یک دولتی که از یکطرف این سیاست را اتخاذ نموده و از طرف دیگر خودش مشغول به انتخابات بشود و دو سال دوره عمر خودش را بشکلی همین انتخاباتی که یکی از آنها مورد اعتراضات آقایان است مصروف بدارد یک همچنین دولتی اقدام و قیام بر ضد حکومت ملی نموده در صورتیکه آنهایی که از قبیل شاهزاده سلیمان میرزا و آقای طباطبائی که قائم قوم شدند و برخلاف سیاست بیطرفی دولت ایران در جنگ سیاست تصویب مجلس شورای ملی و سیاست ملی و رسمی این ملک بود تجهیز سلاح کرده اند آنها مقامشان میری است از قیام کردن بر ضد حکومت ملی آقای طباطبائی در نطق خودشان مواردی را که در کابینه وثوق الدوله اصول قانون اساسی نقض شده است ذکر میکنند احترام مجلس مقدس و احترام اصول مشروطیت مرا ممنوع میدارد از مقایسه این امر با دوره های تمام داران تمام کابینه های دیگر ایام طولانی فترت در این موقع می خواهم از آقای طباطبائی سؤال کنم که چه شده است ایشان و بعد از ایشان حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در کابینه وثوق الدوله فقط بذكر سه نفر قناعت کردند آقای طباطبائی حقوق شناسی شما وفاداری شما با سیاست که از اخلاق حسنه شما است شاید شمارا مجبور باین کرده است ولی من اجازه می خواهم در مقام مدافعه از خود بگویم در نتیجه قرارداد که با دولت انگلیس و نماینده او مبادله شده است امضاء شخص وثوق الدوله تنها بوده است حتی من که در آروز وزیر خارجه بودم امضای من در پای آن قرارداد نیست اما ثبوت این قرارداد عیناً و تماماً مطابق الفعل بالنعل بامضاء تمام وزراء کابینه وثوق الدوله کیکی از آنها بنده هستم و یکی آقای سپهبد اعظم آقای مشار الملک آقای محاسب الممالک و دیگران هستند امضاء شده و ضبط است باین ملاحظه می خواهم ببینم چقدر در موقع مؤاخذه بخواهید تشخیص و تمیزی بدهید شخصیت سه نفر اگر مسلم باشد مانع از مسئولیت مشترک در یک کابینه نیست و همه وزراء امضاء کنند در هر مقام در عرض هم واقفند علاوه بر دیگری عرض میکنم مسئولیت منحصر به یک دسته از وزراء نیست همه وزراء همه دستجات همه در مقام مسئولیت در مقابل ملت بر طبق اصول مشروطیت به تساوی مسئولند بیش از این نمی خواهم خاطر آقایان را تصدیق داده باشم و لایق قبل از اینکه بجای خودم بر گردم و منتظر شنیدن فرمایشاتی باشم که مرا مجدداً شاید به پشت این تریبون بیاورد و باز اگر عراضی داشته باشم بکنم می خواهم در پیشگاه نمایندگان ملت که در اینجا حاضرند و در معرض افکار عمومی ایران این مسئله را به ندای بلند

بگویم که من آروز که بیان حقیقت را امضاء کردم انتظار این جواب را داشتم (گفتند صحیح است) من آروزیکه مصالح ملک خود را در جلوگیری از نفوذ و دخالت سیاست انگلیس تشخیص دادم و باین امر مصمم کردم خودم را از برای هر نوع خرابی حاضر کردم (گفتند احسن) و باید بگویم من اطمینان به قضاوت بیطرفانه و به وجدان آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی دارم و مطمئن هستم و اما اگر هم این اطمینان حاصل نبود خوب است معارضین داخلی و خارجی من بدانند که اگر از این مجلس خارج می شدم در هر کجا و به هر وسیله تا آخرین نفس خودم از موقعی که صلاحیت این ملک و صلاحیت ملت خودم را در این سیاست تشخیص دادم میکوشیدم و وسائلی هم الحمدلله دارا هستم که شاید آن وسائل هم کمتر از وکالت مجلس شورای ملی نیست (گفتند احسن).

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - ابتدا شاهزاده نصرت الدوله فرمایشاتی فرمودند که میتوان آن فرمایشات را به چند قسمت تقسیم کنم قسمت اول مقدمه فرمایشات ایشان بود که حاکی از یک مسائلی است که بهیچ وجه راجع به شخص بنده صادق نمیکند و جداً او را تکذیب میکنم مسئله اول که قید فرمودند کشمکش های شخصی چون بنده خیلی متکی به حکمت افکار عامه و نمایندگان ملت هستم و البته همینطور هم هست افکار عامه محققاً حکمت بیطرفانه میکند و اگر هم فرضاً حالا آن حکمت کاملاً مجری نشود در آنجه مجری خواهد شد کشمکش های شخصی که فرمودند به عبارت اخیری کشمکش های سلیمان میرزا و فیروز میرزا یا شاهزاده نصرت الدوله (می خواهم بدانم و به پرسش از شخصی شخص ایشان که در تمام این مدت بنده با ایشان چه رقابت شخصی داشته ام که کشمکش های شخصی نام میگذارند آیا وزیر می خواهم بشوم آیا می خواهم مثل ایشان یکی از اعیان و اشراف بشوم که بعد از آن شاهزادگی خود شرافت است بنده شاهزاده ام در مسئله شاهزادگی مزیتی ندارم و به عقیده بنده و تمام اشخاص بزرگ عالم از انبیاء و فلاسفه و اشخاص بیکه حکمت هر چیز را از روی صحت کرده اند افتخار هم به ثبوت نیست و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله همیشه میفرمودند (الفقر فخری) و بنده هم باین افتخار دارم نه به ثبات دنیا بنده بهیچ افتخار دارم که در مدت ۲۰ سال یا کمتر از اول مشروطیت تابعال (که بنده در تمام جریانش بودم) و چه در دوره اول که جزعهیتی که در خارج از برای افکار عامه کار میکردند بودم کار کرنام و یکی از اشخاصی بوده ام که محسوساً شاه موقمی که بر علیه مجلس بوده همیشه توفیق یک همرا میخواست و می گفت این اشخاص بگانه اشخاصی هستند که امروز مشروطیت مملکت را دنبال و ترویج میکنند یکی از آنها سلیمان میرزا و یکی مرحوم برادرش یحیی میرزا بود در آن تاریخ شرح حالات سلیمان میرزا و یحیی میرزای مرحوم و سایر شهدای راه آزادی از

قبیل حاج میرزا ابراهیم مرحوم و میرزا جهانگیر خان مرحوم و ملک المذکرین مرحوم و آقا سید جمال مرحوم و سایر عده مرحومین که همه میدانند آنوقت سلیمان میرزا طرف دار مشروطیت بود در آن وقت حضرت والا در کدام طرف ملکیت بوده و چه می کرد آنوقت سلیمان میرزا کجا بود و ایشان کجا بودند غرض شخصی نیست این کشمکش هست نه تنها بانصرت الدوله بلکه بنده با تمام اشخاصی که مخالف سیاست آزادی ملت و سیاست حمایت فقرا و ضعفا هستند همیشه آنهارا در تحت فشار می خواهم مخالف هستم سلیمان میرزا و رفقای او تا آخرین فقره خون خودشان (رجز نمی خوانم) در تمام دوره بازماندگان اقدام کرده و خواهند کرد همیشه بر ضداغیبت و اشرافیت و اعمال کردن حقوق اشرافیت و حفظ حقوق فقرا و عامه بوده و هستند (گفته شد صحیح است) بنده همیشه بر علیه تمام این ترتیبات بوده ام بر گردیم به مسئله مجلس اول و ثوب بستن مجلس بهیچم آنوقت که مجلس را ثوب بستند و عده مخصوصی در باغشاه گرفتار بودند حضرت اقدس والا در کجا و در چه حال بودند و پدر والا گوهر خان موقع آمدن مجاهدین بطهران وزیر کدام کابینه بودند وزیر داخله کی بود سلیمان میرزا بود یا پدر کرامی ایشان شاهزاده فرمان فرما آیا آنوقت که سایر آزادی خواهان در باغ شاه محبوس بودند ایشان هم محبوس بودند بنده از آن وقت یک طرفیت عقیده درین ما است و خواهد بود تا اینکه عقیدشان بامن یکی شود بنده هیچوقت با فیروز میرزا یا شاهزاده نصرت الدوله رقابت و کشمکش های شخصی ندارم اگر دارم بفرمائید آیا از حیث مقام دارم از حیث سایر ترتیبات زندگی دارم گفتگوهای ملکی و ارضی دارم بنده هیچ غرض شخصی با ایشان نداشته و ندارم مسئله را می آوریم تا تاریخ جلوس دوره دوم مجلس شاید باز گفته شود که این کشمکش های شخصی سلیمان میرزا بواسطه سابقه با من فرما بوده بلی بنده در مجلس استیضاح از شاهزاده فرما فرما کردم بنده و رفقا در پشت کرسی همین خطابه از او استیضاح کردیم اگر این را کشمکش شخصی نام می گذارند چه عرض کنم باز بر گردیم به ایام فترت از آقایان خیلی غرور می خواهم مسئله مهاجرت را می خواهم عرض کنم در این خصوص شاید بنده امروز شش هفت ساعت وقت آقایان را بگیرم و معطشان می خواهم بکنم زیرا یک تاریخی را بطور کتابه گفته و بنده هم مجبور جواب بدهم صحبت در مسئله آنتریک سیاسی است (آنتریک سیاسی بسیار خوب لفظی است) اتهامات هم در خارج خیلی هست چنانچه آقای سردار معظم هم در چند روز قبل در موضوع اعتبار نامه سلطان محمد خان فرموده اند و گویند در روزنامه ایران هست که (هنوز بقیه تهمت ها راجع به مجلس شورای ملی بگوشان میخورد البته همیشه از برای خراب کردن دسته مخالف بگرفته حرفها در حصار هست) بسیار خرقی است بقاعده بنده هم تصدیق میکنم حالا بر گردیم بتهمت ها که در طرفین موجود

اینکه سابقه شود در آتیه بدانند يك هیئت درموقع تعطیل مجلس حق بستن این طور قرار داد ها را ندارند و همه وزراء آتیه بدانند قبل از آنها يك چنین اقدامی کردند و وکلا مجلس باندازه عجل بودند که قبل از اینکه اعتبار نامه شان بگنارد بعجله مثل اینکه از برای چیز کران بهائی وقت فوت میشود آری معلوم است از استقلال مملکت گرانها تر چیست بر علیه قرار داد اقدامات کردند و در آتیه وزراء بدانند که در ایام قدرت حق بستن چنین قرار دادی را ندارند هر کس بسته باشد ملت ایران او را به رسمیت نمی شناسد (گفته شد صحیح است) از این صحیح است ها خود ممنوع هستیم و این همان جایی است که میخواستم (یعنی نصیحت اخلاقی که حضرت والا دارند بعد از مؤثر شد) در مطالب اساسی هیچ وقت يك مخالفتی در مجلس نبوده بجهت اینکه برخلاف اساس ملت است برای تذکار عرض می کنم که در مجلس سابق دودسته بودند اعتدالی و دموکرات و هر روز با یکدیگر در مطالب مرامی به سختی کشاکش داشتند که انتخابات چطور باید بشود مستقیم باشد یا غیر مستقیم مثلا قانون انتخابات چطور باشد از این گفتگو ها خیلی داشتیم ولی وقتی که بدبختانه باز گفتگو رفت به خانواده سلطنت شاهزاده شماع السلطنه مرحوم و سالار الدوا و محمد علی شاه حمه باین مملکت میگردید چون گفتگو راجع به مسائل اساسی بوده آیاتیک نفر وکیل در آن موقع مخالفت داشت لااقل فوراً هیئت که مسئله اساسی آمد مسئله دموکرات و اعتدال و سوسیال از میان رفت در سراجی تمام مرام نامه ها نوشته می شود ملت - وطن - حقوق -

مشروطیت در آن دوره امتحانات خود را داده اند در این دوره هم کاملاً خواهند داد و حالا هم که يك اختلافی داریم بنده میگویم مخالف هستم آقای سردار معظم و آقای مدرس موافق هستند آیا در چه موافق هستند در قرار داد خیر با وجود این که هنوز به بنده نرفته اند بنده از طرفشان بگویم در قرارداد موافق نیستم ولی شاید در ترتیب مذاکره و در جزئیات مطلب اختلافاتی باشد برای این قسم مطالب خواه قرارداد باشد خواه غیر قرارداد همین که بر علیه قوانین اساسی و حقوق ملی باشد خواه کمال خواه افراد ملت عموماً بدون ملاحظه موافق هستند بنده اینجا از طرف عموم ملت میگویم که قرارداد را برسمیت نمی شناسم پس در این صورت اختلافاتی فی مابین نیست حالا آدمیم بر سر تهمت و افتراء عرض کردم بنده تهمت به کسی نمی زنم و اینکه فرمودند مروا کراماً خیلی ممنون هستم که جواب عریض بنده را به بزرگواری خودشان صرف نظر فرمودند و فرمودند مروا کراماً امامت ستم این لطف و مرحمت خیلی زود فراموش نشود پس از دوستان نظر این اخلاق کریمه را فراموش فرمودند و شروع کردند به يك مسئله هائی که بکلی برخلاف لطف و مرحمت بود باین حرارتی فرمودند که آقای آقا سید ضیاء مؤسس کابینه ساهم و همچنین کابینه سیددار شما و همچنین یا آقایان طباطبائی و شرکاء بنده بیشتر آشنائی

داشته اند می خواهم این مطلب را خدمتشان عرض کنم که از اول آقا سید ضیاء هیچوقت باینده توافق نظر نداشته و یگانه دلیل برای این مسئله روزنامه های ایشان است که اگر از اول روزنامه ها تا آخرش را بدقت مطالعه کنند می بینند که يك سطر آن موافق عقیده سلیمان میرزا نبوده اگر مقصودشان از این آشنائی این بوده است که در کوچه سلام بگیرد و جوابش را میدادهم این مسئله شرعی است که هر کس بگوید سلام علیکم مجبوراً باید گفت علیکم السلام و شاید در يك مجلس عمومی که بنده بوده ام و ایشان هم در آنجا بوده اند همان طور که خودشان فرمودند يك روزی پرده از روی کار برداشته می شود اگر يك معنی سراغ دارند بنده اطلاع دهم که در يك مذاکره بادر يك قرارداد با آقا سید ضیاء الدین شریک بوده ام وقتی که آقا سید ضیاء از فزون شریف میردند انومیل ایشان با بنده تلاقی کرد ولی بعد از آن خودش را ندیده و فعلاً هم با آقای طباطبائی و سایر آقایان در اینکه قرارداد بر خلاف مصالح مملکت است موافق و الا يك تشکیلات حزبی ندارم هر ساعتی که عقیده آقای طباطبائی مخالف بنده بشود با ایشان هم همانطور مخالفم و عقیده هم آزاد است بنده در کودتا با آقا سید ضیاء یاد در حکومت سیددار شرکت نداشتم شکر الله که نبودن بنده در تهران این مسئله را واضح می کند

فصل الدوله - شمارا نکندم

سلیمان میرزا - پس ببخشید چون فرمودید شرکاء آقا سید ضیاء و بطور مطلق فرمودید حالا که حضرت اشرف بنده را نفرموده اید کمال تشکرا دارم آقای طباطبائی یا سایرین هم البته از خود دفاع خواهند کرد مگر اینکه آن وقت حضرت والا يك لغتی فرمودند که بنده کاملاً با ایشان موافق هستم و در این موضوع جزء شرکاء ایشان هستم و آن این بود که تمام زمامداران امور در ایام قدرت باید معا که شوند البته نباید چنین محاکمه نباشد مملکت و قوانین حفظ نمی شود من کاملاً طرف دار این مطلب هستم که زمامداران امور باید تماماً در تحت محاکمه بیایند انصافاً بنده چه مملکت داریم ملاحظه فرمائید آیا در کدام يك از ادارات با همیت وزراء يك مصلحتی را که میخواهند مطرح کنند کتاب قانون می آورند در این موضوع قانون چه می گوید اگر همچو چیزی سراغ دارید بگویند حتی در وزارت عدلیه که خودشان در آنجا هم کار کرده اند فقط يك تصویب نامه از هیئت وزراء صادر میکنند که بنا بر تصویب نامه هیئت وزراء بر حسب امر خود وزیر عدلیه فلان طور باید بشود عدلیه که یکی از قوای سه گانه مشروطه و قوه قضائیه مملکت است (بنده بطور کلی می گویم) و میخواهم از مأمورین عدلیه مدافعه کنم که شاید ایشان قایل نباشند مسئول باشند و باید محاکمه شوند اما بطور کلی عرض می کنم و از قوه قضائیه مدافعه میکنم مقصود این است قوه قضائیه مملکت که مهم ترین قوا است و حفظ حقوق تمام مملکت با اوست دست خوش اعضای يك وزیر است هر وزیری آمد بنده ن این که قانون اساسی نگاه کند می گوید قانون را

بیاورید و بخیال خودش يك ماده را جرح و تعدیل میکند منتهی از همه بدتر آقای سید ضیاء بود که هیچ قانونی را قبول نداشت امر میکنم حکم میکنم یگانه قانون ایشان بود بیکندری بیاید پائین تر هر کس در موقع زمام داریش يك ضربه باین مملکت بدهت کوچک ما زد کدام ماده قانون اساسی امروز کاملاً ملاحظه نظر اولیای امور است اگر وزراء و زمامداران امور عموماً قوانین را منظور میداشتند امروز تمام افراد مملکت دولت قانون حفظشان بود امروز کار بجائی رسیده که در مملکت از شدت بی اعتنائی بقانون يك جلد کتاب مکمل قانون در مملکت پیدا نمیشود وکیل الملك وکیل کردستان از تهران که مراجعت می کردند در مملکت بنده می گفتند که در طهران که پایتخت است مدتی گشتم که يك دوره از کلیه قوانین که از مجلس گذشته تهیه کنم موفق نشدم برای چه اینطور است برای اینست که طرف توجه نیست که يك وکیل بیچاره که تازه می آید میخواهد قوانین سابق را بداند هر چه می گردد پیدا نمیکند البته تمام زمام داران مسئول هستند که رعایت قانون را نکرند بهترین روز روزی است که این مطالب یکی یکی در تحت محاکمه بیایند تا دیگران عرت بگیرند سرمشقه که میخواهم زیاد حرف بزنم خیلی چیزهای دیگر هم یادداشت کرده ام که عجالتاً از آنها صرف نظر میکنم در سیاست بیطرفی و مهاجرت بعضی فرمایشات فرمودند و گفتند این اشخاص اسلحه بدست گرفته اند آیا این اقدام بر علیه حکومت منی نیست که در مملکت بیطرفی يك اشخاصی اسلحه بگیرند و بر ضد بیطرفی جنگ کنند با آن حرارتی که میخواهند مروا کراماً را مجری بدانند این است که عرض کردم باید چهار پنج ساعت وقت و کلاه را بگیرم خواه خسته شوند خواه نشوند اما خودم در این مسئله خسته نمیشوم البته آقایان میدانند که در زمان سابق در سیاست در مملکت ایران بود (مجبورم بگویم ولو اینکه در سیاست خارج نباشد داخل شد) برای اینکه دوماه قوی در اطراف مملکت بود که دولتهای سابق از آنها خیلی استفاده کردند که بنده شاید بخواهم آن استفاده های سابق را نگویم البته مسیوق هستم که مجلس را کدام سیاست در دنفه اول بمباردیان کرد در دوره مجلس اول حکومت روسیه طرفدار ضد مشروطه بود و بر ضد مشروطه خواهان هر قسم قیام و اقدام میکرد حکومت تزاری نه تنها بر علیه آزادی مملکت بدهت ما قیام کرد بلکه بر علیه آزادی مملکت خودش هم شانه روز مشغول بود میکشید میبسته و در مملکت ما حق مساوی داشت در مملکت ما هم اقدامی میکرد قوای ما بیچاره ها هم باندازه قوای اوتور بود با وجود اینکه دنیا فتر میکند که قرن بیستم است و معضلات ثابت شده که حقوق ضعیف آنطور که باید هیچ وقت حفظ نمیشود ثابت شده هر کسی که در ورش بیشتر است حرفش حسابی تر است تمدن قرن بیستم دنیا روشن کرده اما هیچ وقت بعرف یک مردم بیچاره یکمات

بیچاره گوش نمیدهند چنانچه همین جنگ بین المللی کاملاً ثابت کرد که این صحنه های حقوق بیطرفی حقوق ملت صحت بیطرفی تمام اینها حرف و بازی بوده يك طرف بیطرفی ملوک را منظور نداشت یکطرف بیطرفی یونان را و هر دو بر خلاف بیطرفی رفتار کردند و هر دو به اتفاق بیطرفی مایه چاره هارا قبول نکردند و هر چه فریاد زدیم بیطرفیم از همه طرف بما بیطرفی که زور نداشتیم بدون استثناء حمله آوردند در دوره اول مشروطیت دولت روس و انگلیس معا هده بین خود منعقد نمودند که بمعاهده ۱۹۰۷ موسوم گردید و يك معا هده خانمان سوز و ایران و ایران کنده بود که مجلس اول با تمام حسد آراشناخت و حتی مواظبت کردند که لفظ دولتی را بر زبان نیاورند برای اینکه تصور نشود که بمعاهده ۱۹۰۷ و منطقه نفوذ دولتی را قبول کرده اند معذالك كلمه برخلاف تمدن و سیاست ملی بیطرفی ایران بمعاهده ۱۹۰۷ را بستند و ایران هیچ مراجعه نکردند که ما داریم ترا دوفست میکنیم در يك مملکت قدیمی که تاریخ مشعشعی دارد با صلاح خود ایرانها شش هزار ساله و بقول اروپائیها سه هزار ساله است مثل تمدنه منطقه نفوذ از برایش معین کردند و از آن بدبختها نرسیدند که آیا شما انسانید اینطور رفتار کردند و حقوق ملت بی طرف را اینطور منظور داشتند این معا هده را مجلس اول با کمال قدرت و جلالت نشنخت و لکن ما بشناسیم با بشناسیم فرق نمیکند آنها یکی باید بشناسند شناختن ما هر چه فریاد میکنیم نمی شناسیم باین حرفها کسی گوش نمیدهد اگر سر نزنه داشته باشیم اگر قدرت داشته باشیم گوش میکنند والا آمده های بی حقی باشیم تمدن بی تمدن بعد از این تمدن یعنی ضربه اولی که در دوره اول مشروطیت بما وارد آمد و معا هده مشعشعی بمعونه ۱۹۰۷ بسته شد و منطقه نفوذ معین گردید مجلس را توب بستند و آنوقت باین استکفا نکردند بعد از خراب شدن مجلس اول آمدن مجلس دوم و کلا خواستند به روشی که باشد بمصادیق الفرق تشبیه بیکل حبش بدهت مردم بدبخت و کلا که در مقابل دول متعده ضعیف هستند و می خواستند بگویند ما هم حق زندگانی داریم هر روز گرفتار ترتیبات سابق بودند پشور برای تأتیه فلان قرض عایدات که برکات فلان جا را از دست می دادیم يك روز گرفتار منطقه نفوذ بودیم بیچاره و بدبخت ایرانی گرفتار تمدن شده مجلس دوم باین مطالباتی خواست يك اصلاحی برای این کارها بکند در صدد برآمد که اولاً باید در چیزها انتظام داد که روح مملکت است یکی مالیه و دیگری مسئله نظام زیرا بهر اصلاحی بخواهند بگویند اول مسئله پول است چون برای هر کاری پول لازم است پول که نداشته باشند باید دست خود را بطرف مساویه دراز کنند و بگویند فلان قدر بمن قرض بده همینکه دست را دراز کردید فوراً يك شرایط خانمان بر اندازی باشما می کنند بنابراین مجلس دوم خواست که يك قسری از زیر بار این مطالب خلاص

شود مجلس اول هم در این موضوع خوب اقدام کرده بود یعنی بودجه را تعدیل کرده بودند و تقریباً يك توازنی در دخل و خرج حاصل شده بود آن اشخاصی که همیشه آتریکی می نمایند اینجا است که آن اشخاص ذکر میشوند یعنی اشخاص (حقوق بر) همه مسبقند چه اقدامات کردند چه کارها کردند و شاید یکی از سبب های عمده موفق شدن محمد علی شاه بخراب کردن مجلس همانها شدند آقایان میدانند کی ها حقوق میرند يك قلمه هیچوقت حقوق نمی گیرد يك فقیر بیچاره يك کاسب بیچاره هیچ حقوق نمی برد همیشه زحمت می کشد و مالیات میدهد اما بدبختانه آنها که در نوب کالاسکه ها در شکله ها و اتومبیل ها و قصر ها هستند آنها حقوق می گیرند اکثریت حقوق بر ها آنها هستند آنها حقوق میرند که يك شاه از مالیات این مملکت را نمی خواهند بپردازند به هزاران صورتهای غیر مشروع مثل تخفیف یا مستعری یا مخارج سوار حکومتی از مملکت بدهت پول می گیرند حقوق بر ها هستند که قصور و عمارات عالی می سازند آنها هستند که این حقوقها را میرند همان ها یکدفعه در مسجد شاه ریختند و فریادوا اسلاما بلند کردند و گفتند بما مفت نمیدهند بخوریم این برخلاف مسلمانی است مثل اینکه نموز بالله پیغمبر اکرم (ص) خدای نکرده بکشاهی از بیت المال مسلمین برده بود افتخار اسلامیت افتخار مذهب که همه چیزش افتخار است یکی هم وجود مقدس رؤسای مذهب است که علیانی در اوائل اسلام کرده اند مثل عملیات حضرت امیر (ع) که وقتی برادر او عقیل میخواهد حضرت امیر (ع) را دعوت کند زحمت میکشد يك قرصه نان پس انداز می کند و آن وجود مقدس را دعوت می کند و تکیه حضرت میبندد يك قرصه زیاد است عوض اینکه اضافه موجب بدهت فوراً می فرمایند تو میتوانی بيك قرصه کمتر زندگانی بکنی فوری يك قرصه از ناناش کم میکند این است اساس مذهب اسلام باوقتی که طلعه وزیر خدمت آن وجود مقدس شرفیاب میشوند که يك مأموریت بگیرند والی بصره و کوفه یا فلان جا بشوند وجود مقدس فوراً چراغ را خاموش میکند و يك چراغ دیگر روشن میکند سؤال می کنند برای چه این کار را کردید میفرمایند اولی مال بیت المال است کار بیت المال را رسیدگی می کردم و بحساب مالیه میرسیم از پول بیت المال خرج کردم دومی از مال شخصی خودم است چون شما مهمان من هستید از مال شخص خودم مصرف میکنم با این اساس اسلامیت ...

تذکره - این که تاریخ مهاجرت نیست

سلیمان میرزا - همانطور که آقای رئیس فرمودند بنده بکنفر وکیل هستم و در نطاق آزادم

سردار معظم - بای آزادی نطاق برای همه هست

سلیمان میرزا - آیا میخواهم به بینم این اساس مقدس اسلامیت این مالیه که باید اینطور در تحت انتظام بیاید که آن وجود مقدس نخواست چراغ بیت المال را بمصرف رساند فوراً طلعه وزیر بخوانند و رفتند و جنگ جمل و سایر ترتیبات را فراهم آوردند و گفتند اینجا پول و تمول و سایر راحتی هائیت کسی

که با خودش اینطور سخت گیرها میکنند دیگر یکی پول نمی دهد باید رفت جای دیگر پیدا کرد در صورتی که اسلامیت اینطور منور است اینطور نورانی است تمدن واقعی را دارد معذالك وقتی که مجلس اول از حقوق اشخاصی که چندین هزار تومان بود یا حقوق فلان که صدویست هزار تومان بود کسر کرد و ماخذ حقوق را از دوازده هزار تومان بالاتر نبرد و فریاد و امدها و اسلام بلند شد (ریختند تاریخ زیاد نمی گویم) مجلس اول را بهم زدند در دوره دوم مجلس خواست اصلاحات مالیه را تکمیل کنند بنابر این بعد از خیلی دقت ها خواست بگوید که خودمان بعضی چیز ها را نمی دانیم باید مستشار از خارجه بیآوریم باید هر چه نمیدانیم از آنها یاد بگیریم بدبختانه هر معنی که آوردیم بما چیز یاد بدهد از وظائف چیز یاد دادن تجاوز کرده مثلاً روز اول گفت که امروز تودر مجلس حق نداری با سرت حرف بزنی باید اینطور سلام بکنی کلاه ترا باید اینطور بگذاری صلاه ایرانی نباید سرت باشد و لباس هم اینطور نباید باشد (صحیح است) چیزهایی که هیچ وظائف او نبود ولی چون کلاه او را يك دیگر داشت و جزء متعده محسوب میشد ما هم که جزء متعده این شاید بودیم (اگرچه ان شاء الله نیستیم) گفتیم باید یاد گرفت و وزیر تعلیمات رفت ما مستشار خیلی آوردیم ولی آنها بوطیقه خودشان عمل نکردند یا اینکه وزیر وقت با آنها همراهی نکرد یا اینکه وزراء وقت با آنها موافقت نکردند چون این شخص را که بعد اسم میرم شخص کاری بود ولی کاری نکرد تشکیلاتی نتوانست بدهد خودش گفته بود تقصیر با من نیست با من مساعدت نشد ظن غالب هم این است که او مساعدت نشد (مسو پترو) مستشار فرانسوی همین طور که عرض کردم اطلاعات او بسیار خوب بود بیچاره آن عیبی هم که عرض کردم نداشت مداخله در کار دیگران نمیکرد و میخواست از حقوق خودش تجاوز نکند شاید بوزیر وقت پیشنهاد کرد که این قانون اینطور باید باشد وزیر وقت قانون را میگذاشت جزء کاغذهای توصیه آنهم آخرین آن کاغذها و بنده که از آقایان یا از اعیان بودم یا جزء شاهزاده ها بودم مرا راضی میکرد که فردا با او بدنشوم و پشت سر او بدنگویم اصلاحات پترو را دقت نکرد یگانه دلش هم این است که مسو پترو چیزی باقی نماند مجلس دوم بعد از مطالبات بسیار میدانست که باید مستشار بیاورد ولی فکر این را میکرد که رعایت نزاکت را بکند و گفتگوی منطقه جنوب و شمال را نداشته باشد بعد از گفتگوهای زیاد که وزارت خارجه با دول دیگر کرد و دوسیه اش آنجا است مستشارهائی که از دولتهای دور بیطرفی مثل آمریکا و غیره آوردند

رئیس - ده دقیقه تنفس - آقایان موافق هستید (گفتند بلی)

در این موقع عموم نمایندگان برای تنفس خارج و پس از ده دقیقه مجدداً جلسه تشکیل گردید

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)